

غسل تعمید و دلگرمی آمریکا

این ریشخند تاریخ است که ازین انقلابی که طی آن توده های مردم درود یوارهای کوچک و خیابان را مال مال از شعار "مرگ بر امپریالیسم آمریکا" ساختند و آشوب و عزم و جان بازی بی شائبه خون خود را نثار تحقق این آرمان والا نمودند. آری انقلابی که هنوز شعارها از یوارساک نشده و توده های مردم خشم و نفرت بی پایان خود را از سردسته جها نخواستاران "امپریالیسم آمریکا" باغریبوسای خشمگین در فضای میهن مان وطن انداز میسازند و صاحبمنصبان و وگردد اندکائی بر سر پر قدرت و ارگانهای تصمیم گیرنده و هدایت کننده نهشته اند که آشکارا و پیرود پنبه درگوشهای خود کرده به آرمای نهایی انقلاب پشت میکنند به تطهیر و پودت بین امپریالیسم نهشته "امپریالیستها را بیه یقیه در صفحه ۲

درباره وحدت

با بوزش از خوانندگان عزیز، ادامه این بحث را در شماره های آینده دنبال خواهیم کرد.

سرمقاله:

جمعه ای که گذشت

آیا حمله به صفوف نیروهایی که خواهان مرگ امپریالیسم آمریکا آزادی و استقلال هستند جز به نفع امپریالیسم است؟

اینگونه اعمال فاشیستی نتیجه منطقی تمام آن تحریکات و "دستورالعمل"هایی است که به توده های ناآگاه داده می شود

بدنبال اقدام حوشه آمیز سنای آمریکا، بمباران عفری جدا بی نا پذیر از پیکر امپریالیسم آمریکا موج عظیمی از خشم انقلابی توده های ستمدیده در سراسر ایران بحرکت درآمد. مردمی که هنوز، خون عزیزانشان برک غیابانشان خشک نشده و هنوز شعارهای فدا میزبالیستی که با خون شهدانشان سر دردیوار شهرها نقش بسته در جلدو دیدگانشان است، حق داشتند چنین کنند. و انتقاری جز این نبود که خلقهای ما جواب دشمن اصلی و عامل اصلی جنایت و غارتگری چند دهه اخیر میهنشرا اینچنین پاسخ گوید. اما نیروها و کسانیکه منافع خود را، در جریان تداوم و تعمیق مبارزه توده های ستمدیده بر علیه امپریالیسم و ارتجاع در خطر می بینند، آنها که ترس از امواج توفنده انقلاب بطرف امپریالیسم سوشال داده است، تلافی کردند تا در اینجانب نیز مانع و سد راه باشند آنان کوشش کردند تا اثر این امواج خشم توده ها را هرچه بیشتر بترسانند. اتفاقاتی که در صبح جمعه در تهران و در جریان نظرات ناراضی در چریکهای فدائیکسی خلق و کنفرانس وحدت در آ آزادای طبقه کارگر انگلیس افتاد جزئی از این تلاشها بود:

چهره فاشیسم

معیای انسانهای آزاده ای که کینه مقدس امپریالیسم را در دل داشتند. و مسیری زامی بنمو - دند تا سفاکت آمریکا رفتند و قطعه نامه خود را بخوانند، توسط اوباشان و چاقو کشانی که خود را مسلمان میسازند برهم زده شد. اینان که تحت حمایت جوانهای مسلح یقیه در صفحه ۲

- قیاده موقت را بشناسید
- اخبار و مبارزات کارگری
- پیام به هیات تحریریه مبارز کیهان

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

پیکار

دوشنبه هفتم خردادماه ۱۳۵۸ بهای: ۱۰ ریال

مرگ بر امپریالیسم آمریکا

تظاهرات ضد امپریالیستی توسط انحصار طلبان مورد حمله و حشایه فرار گرفت



جمعه گذشته، همه یک صدا:

مترک، سبیل آمریکا - عمو ما - در هوا آویخته است. منکته و احتفاری که در چهارپایه حالت و جندش آورش، موج میزند. نما یا نگر شما می تعمیری است که خلق ما نسبت به آمریکا، احساس میکشود. و نفرتی است که بر امپریالیسم جهان خوار تک میکشد. پلکارها، شعارها و فریادها، آغشته به این نفرت است. و خشم مقدسی که از دل این نفرت زیانه میکشد می خواهد تمامی مظاهر امپریالیسم جهان خوار را در کام خویش فروبرد:

قطع کامل سلطه و نفوذ اقتصادی، سیاسی و نظامی امپریالیستها، تشنه راه جلوگیری از بیچارگی ثروت های ملی و بهره کشی زمینکشان سی باعد

بقیه در صفحه ۳

فاشیسم در لیب خویس، معصومیت را خاکستر کرد



پدردا غمیده کمال؛
چرا با بدکمال اینچنین
وحشانه طعمه آتش حوشه
گران پلیس کردید؟
کمال م سوخت، با قلب
کوچک و مهربان نش که ساعت
شمار زندگیم بود.



درباره مسئله ملی (۵)

حزب پیوده و مسئله ملی

در شماره های پیشین تا حدی توضیح دادیم که طبقات و نیروهای مختلف جامعه با توجه به مواضع طبقاتی و پیوندهای اجتماعی خود، شعارها و مواضع متفاوتی را در مورد مسئله ملی ارائه میدهند. و روشن کردیم تنها طبقه کارگر قادر است مسئله خلقها را در متن مبارزه دمکراتیک و ضد امپریالیستی توده های ستم دیده حل نماید.

در این میان بررسی نظرات کلی و مواضع شخصی حزب توده در مورد مسئله ملی حائز اهمیت بسیاری است. این بررسی همگونی نظرات انحرافی حزب توده را بسیار کلید گاهها و نظرات او نشان خواهد داد. و روشن خواهد کرد که تا چه حد نظر حزب توده در مورد این مسئله نیز تسلیم طلبانه و خائشانانه است.

حق ملل در تعیین سرنوشت خویش چیست؟

در روزنامه مردم چنین آمده است که: "برای حل مسئله ملی اصول زیرین پایه عمل قرار گیرد: الف) حق کامل خلقهای ایران در تعیین سرنوشت خویش ب) شناسایی حق اقلیتهای ملی ساکن ایران در برخورد ارشدن از کلیه حقوق ملی، اجتماعی و فرهنگی خود." (مردم شماره ۱ - ص ۸)

این رهنمود در همینجا به پایان رسیده است. ... خوب، اما هم درستی احکام بالا را تأیید می کنیم و معتقدیم که این اصول می بایستی پایه عمل در حل مسئله ملی قرار گیرد. اما بعد چی. این اصول تحت چه شرایط و چه موقعیتی می تواند تحقق پیدا کنند و آنچه آتظوری که در اردوستانه کشته مرکزی ادعا می کنند، به نظر کامله چه نیرویی و کد ام طبقه است که می تواند چنین کاری را انجام دهد و موقعیت

طبقاتی و تاریخی اش به وی چنین اجازه و توانایی را می بخشد؟ لنین می نویسد: "اگر برانداختن نظام ستگری ملی در یک جامعه سرمایه داری امکان پذیر باشد، این فقط به معنی است که در کشور جمهوری دمکراتیک پیگیر حکمفرما باشد که برابری تام و کامل کلیه ملل را تأمین نماید." (قطعه نامه حزب بلشویک درباره مسئله ملی) و در جایی دیگر ادامه می دهد که: "در دوران کنونی فقط پرولتاریاست که از آزادی حقیقی ملتها ... دفاع می کند." (طبقه کارگر مسئله ملی)

اما در اردوستانه کمیته مرکزی در این مورد حتی کلماتی هم بر زبان نمی آورند. آنها، از این جملات و از این رهنمودهای قاطع مثل "جن از بسبب الله" می ترسند و دوری می جویند. به همین جهت هم این مسئله درست همان چیزی است که توسط آنان بدست فراموشی سپرده می شود. باید گفت که صحبت نمودن از اینها با قلم در تعیین سرنوشت خویش به ندرت کوچکترین اشاره ای به شرایط تحققش مثل این می ماند که ما ساختها درباره محسنات و مزایای یک امر بیک پدیده سخن بگویم، بدون اینکه درباره چگونگی و نحوه استفاده و دستیابی به این محسنات و مزایا حورنی زده باشیم. این امر شاید خوب بوده برای طرف صحبت ما احساس انگیز و تجسم بخش رویاهای نیک باشد. ولی اگر توام با قسمت دوم نماند فقط حرف زد ما و مکان در قلمرو حرف هم باقی خواهیم ماند. اما آیا حزب توده به این امر واقف نیست؟ بدون شک در مورد آنان نمی توان گفت که نمی دانند و یا نخوانند. اند بلکه آنها آگاهانه و زیرکانه دست به چنین کاری می زنند تا از یکطرف خاطر "صاحبان" قدرت را آزرده نمازند و از طرف دیگر بالاخره موضعی بظاهر علی و اصولی گرفته باشند.

پس از مبارزه قاطعانه و بی گری که "بلشویکها" و در را نشان لنین برای افشا و طرد تلاشهای اپوزیونیستی مبنی بر انکار "حق ملل" در تعیین سرنوشت خویش نمود، چنان اصولی بودن و حقایق این شعارها را معلوم شده یقیه در صفحه ۲

۲۱ اردیبهشت ماه، جنایت درخوشترای خلقی افتاد. ما شین آذای اصغر شیززاد بر اثر مواده شتازی که در زون آن کار گذاشته شده بود، منفجر شد و "کمال" کودک سه ساله که در ما شین پدرش شسته بود، بطرف رنج و تکان دهنده ای سوخت. و در برابر برشته شدن حیرت زده پدر و مادرش و در فانی آگشته از نفرت بر علیه این جنایت کشید، در گذشت.

شبهه کوچک، کمال شیززاد، جرافتانی شد؟ تنها گناه او این بود که در ما شین شسته بود که گناهت نهایی علی و اجتماعی را به کتا بطرفی حمل نکرد. و تنها این دلیل کافی بود تا فاشیستها و مرتجعین، کسه برهم نشکن مبارزه با آزادی و آزادهای ما را سر - داشته اند، و با آزادی تمام، و قیانه میخانند، او را با شش کنند.

پدرش میگوید: "من نمیخواهم از مرگ فرزندانم آسانه سازی با تاریخ نویسی کنم، اما مرگ فرزندانم تاریخ زنده کشورمان است. کشوری که مرده من با افتخار و یگانگی دشمنان خود را شکست دادند، و امروز پس از پیروزی هر روز شاهد تحریکات و توطئه های دشمنان شکست خورده هستیم. دشمنانی که سعی میکنند هر روز با لباس و پوششی نو بر ضد نیروهای مبارز که هدفی جز پیوستگی و فتح نابسانان مردم ندارند، توطئه کنند."

و این عمل فبیج، سندی است تا و بخی برهان نیست. بیگنی ارتجاع، آذای که دست با این گونه فجایع میالیند، متعلق بهر دسته و مزامی که باشد، تنها آب در آسیان امپریالیسم و ارتجاع میریزند. آذای در بسک گلام فدا نفلانند.

شهادت کمال کوچک و معصوم، طنین نا فوس منبری آذای فاشیسم را رسا تر میکند، و شن کوچک فدا شده اش گواهی است بر لزوم وحدت تمامی نیروهای آزادهای و متروقی در مبارزه با ارتجاع و فاشیسم.

تنگ و نفرت بر ارتجاع و فاشیسم

جمعیته‌ای که گزشت...

ادامه از صفحه اول
درون حبیب‌های ارتشی عمل میگردند ، حداقل ایمن ساشی رابه دست میدادند که از جانب قدرت رسمی کشور آشکارا حمایت میگردد . آنها که تحت حمایت افراد مسلح و به کمک بسیج های دستي و تکراریناسزا و ایراد ضرب و جرح مبارزین توانستند مفوف تظاهر کنندگان را چند باره کنند و مانع از رسیدن آنها به سفارت شوند ، بخوبی موفق گردیدند که چهره زشت و کثیف انحصار طلبی و فاشیسم را بنمایش گذارند ؛ برای آنها همین رسوایی است که تن های غوغین ، دل های آزرده و لب های که مرتب نماز " اتحاد ، اتحاد ، زحمتکشان اتحاد " را میداد ... تنها عکس العملی بود که از نیروهای آزار دیده مشاهده کردند...

بدهی است این نتایج منطقی تمام آن تحریکات و دستورالعملهای آشکاراست که پیشرفت های ناآگاهانه داده میشود ، اما برآستی تا کی میتوان این روش را ادامه داد ؟ سردمداران این جریان تا چه جواب قانع کننده ای برای شونده های که شاهد بطرف این اعمال هستند دارند ؟ آنها چه پاسخی به تاریخ خواهند داد که به جهت دلیل مفوف نیروهای را که به ست سفارت آمریکا حرکت میگردند و جز مرگ امیرالیم و آزادی و استقلال نمیخواهند ، را سد کردند و آنها را چند تنگ کردند ؟ افراد شرکت کننده را مفروب ساختند ... آیا آنها برای این کارها جز امیرالیم آمریکا را خوشال کردند آنها چه فکر کرده اند ، آنها خیال میکنند تا چه حد خواهند توانست مقدرات و مصالح خلقهای ما را این چنین به بازی گیرند ؟

اما در این روزها ، این کوشها برای ایجاب سناق در مفوف خلق ، برای هدر دادن نیروی لایزال شونده ها در راه قطع نفوذ امیرالیم ، از طریق دیگری نیز تکمیل میشد .

ظهور امیرالیم آمریکا ، توسط سخنان عوام - فریبنازه زویر امور خارجه دولت وقتیک خوشنود از این کوشهاست ، ایشان که گویا از اوج گیری مبارزه شونده بر علیه آمریکا در هراس افتاده بودند سعی کردند با بزگ کرده چهره امیرالیم آمریکا چشم توده ها را فرو بخوابانند ... تا بدین ترتیب (چشمی بخوانند و چه نخواهند) راه را برای به انحراف و به بیراهه کشاندن شعارها و اعمال مردمی ، که برای ایجاز انزجار از امیرالیم و ارتجاع جمع شده بودند تا شما ندانند بدین ترتیب با ارتجاع سبھولت نتوانند صحنه های روز جمع را ببینند ، و سازمان نویت صدا و سیما جمهوری اسلامی بود که تلاش نماید نشان و اهمیت شرکت نیروهای چهار سمرتاب از آنچه که بود کم اهمیت تر نشان دهد و مهمتر از آن بر نمایش منظر کشنده ای که فاشیسم و انحصار طلبی آفریده بود سرپوش گذارد و با بیمارت بهتر تا شاید کند و بدین ترتیب واقعیات را آشکارا قلب کند ، با این عنوان که گویا : چون عده ای از ظاهر کنندگان (مذهبی) شمار مرگ بر آمریکا را کافی نمی دانستند و معتقد بودند که باستانی شمار مرگ بر آمریکا و چین و شوروی را داد کندیهای در ظاهر چریکی فداش پیش آورده اند " (نقل به معنی از گفتار رادیویاران)

هر ناظر منطقی میدانند که معنی واقعی ایمن سندی " چه بود ؟ ... باید از مسئولین این موافق سانسور و تحریف وقایع پرسید شما بطور در تحریک مردم و تشویق آنها برای حمله به نیروهای چپ بلندی آشکارا و سی پرده سخن گوید . اما شما متاسین را ندانید نتایج شوم این تحریکات و تشویقات خود را نیز همانطور که اتفاق می افتد بازگو کنید . اما واقعا اگر در مقابل این همه اوپاتان و اخلاگران متکوک ، آن سگوت و منانند و بردباری آزاد منشاء سندی این موافق سانسور و فریب چدها که نمیگردد ؟

وظیفه نیروهای م.ل.

اما آنچه در رابطه با این روز به نیروهای م.ل. بر میگردد چیست ؟ ... اینکه آنها توانسته بودند انقلابی ترین و برعکس آنچه به تازگی از جانب قدرت حاکم و روبریونیشها تبلیغ میشود - عملی ترین شعارهای شایسته یک انقلاب را که تحقق آن هنوز جز از راههای توده هاست به خیابانها بیاورند ، بخودی خود امر بسیار خوبی بود . این که آنها شعارهای روبریونیشها را در عمل میگردند که اکثر آنها قبل از قیام ببرکوه بهمن نیز (در زمان شاه خاش) به

خیابانها می آمد ، بخودی خود افتخارگانه بود و نشان میداد که در این انقلاب توده های ستمدیده واقعا چه بدست آورده اند ... و نشان میداد توده ها یکدم یک از خواستهای قبل از قیام خود رسیده اند ... اینکه نیروهای م.ل. توانسته بودند ده ها هزار نفر از توده های انقلابی و دمکرات را حول شمارهای خود بسیج سازند به تنهایی قابل تحسین است ، اینکه این نیروها توانسته اند چهره و ماهیت واقعی روبریونیشها و درآش آنها ضرب توده را تا آنها افتضا سازند که آنها را از مفوف حزب برانند و آنها را درین همناختی بفرستند که باید بروند (به دنبال بورژوازی) خود امرواطلوبی است . و اینکه آنها توانستند با متانت و بردباری در مقابل حولات فاشیستی چهره انحصار طلبان را بیش از پیش در نزد عده باز هم بیشتر افتضا سازند ... همه و همه در مجموع جنبه های مثبت کارشدهای م.ل. در این روز بود ، که با یستی با حرارت و با قوای بیشتر باز هم ادامه باید ، و به هیچ وجه حولات فاشیستی بهانه عقب نشینی و در ج زدن نگردد . چرا که فاشیسم حولات خود را بر اساس یک محاسبه تاکتیکی ، نظیر آمدن یا نیامدن این یا آن نیرو به میدان ، با عده کم یا زیاد ، بلکه بر اساس یک دید استراتژیک سازمان میدهد و در این راه حتی وجود نیروهای م.ل. نیز گاه برایش بهانه است بلکه او در بی غله باطله جز نیروی دمکرات و انقلابی است . بنابراین هر عقب نشینی ناجبا سنگی از آزادی را برآستی در اختیار او میگذازد و او را سر - مست تر بطو میراند ...

اما برای تصمیق انقلاب ، برای بشمر رساندن مبارزه خدا امیرالیم و دمکراتیک خلق ، برای منوی آختن و افتضی هر چه بیشتر روبریونیشها آنها تنها همین کارها کانیست ؟ بررسی همه جا نشسته در عرصه نیروهای م.ل. در این روز میتوانست بخشهای گوشه ای از حلق را باخ گو باشد .

عدم همبستگی نیروهای م.ل.

1 - در این روز همه شاهد بودیم قبل از اینکه فاشیسم با افعال زور و قدری مفوف نیروهای م.ل. را چند باره کند ، این نیروها خود ، آگاهانه (به میل یا به اکراه) نیروهای خود را از هم جدا ساخته بودند . این واقعتی چه چشم اندازی را در مقابل فروروت همبستگی و اتحاد نیروهای م.ل. در پیش روی ما میگذازد ؟ اگر آنها شیواخه و پا نمیتوانستند در مورد مشخصی (به منبت) که راه برای همبستگی باز است ، به وحدت عمل بروند ، چه برآستی را با بدبرای وحدت و همبستگی انتظار کشید ؟ آنها که تا میل امروز دارند از ایجاد مفوف را از دیگر نیروها جدا سازند واقعا چگونه قادر خواهند بود چند دمکرات آنطرف تر در مقابل هجوم انحصار طلبان دوام بیاورند ؟ و آیا این تاکید دیگری بر فروروت همبستگی و وحدت نیروها نیست ؟

کلید اساسی

1 - اینکه نیروهای م.ل. شرکت کننده در راه همایشی جمعه توانسته بودند جمعیت نسبتا وسیعی از توده های دمکرات و آگاه و انقلابی خلق را حول شمارهای خود گرد آورند - که به جای خود قابل تشجید است - چگونه می توانند ادامه کاری خود را در فاشیسم نمایند ؟ جواب به این پرسش چندان مشکل نیست . در شرایطی که جامعه ما وارد مرحله نوینی از حیات خود شده است در این شرایط نیروهای م.ل. تنها از طریق جلب هر چه بیشتر زحمتکشان سمت خواستهای و شمارهای طبقه راکر است که میتوانند به شکل و بسنج اقشار نزدیک به پرولتاریا و روشنفکران انقلابی نیز موفق گردند و آنها را در اتحاد با پرولتاریا نگه دارند . و روز بروز به جلب و بسنج بیشتر اقشار دمکرات جامعه ناآل آیند بدون توجه به این مهم نیروهای م.ل. نخواهند توانست نفوذ شونده ای خود را گسترش دهند .

بناحوجه به این مهم قابل پرسش است که واقعا در نظرات روز جمعه چند در مد جمعیتی که توسط نیرو - های م.ل. بسیج شده بودند از زحمتکشان بودند واقعا چقدر راکر در این نظرات شرکت کرده بود ؟ ... با توجه به آمار با یستی که در این مورد بود چه باید کرد ؟ آیا غیر از اینست که با یستی قبل از هرگونه خود نماشی ، قبل از هرگونه خوشحالی کلید اساسی را بدست گرفت ، هر چه بیشتر بطرف توده زحمتکش راستی ؟ مسلما بدون درک این مسئله حیا حتی همچنان گروه گراشها و سکتاریسم موج دادا ما پیدا خواهد کرد و مسلما مفوف م.ل. ها بارها و بارها جدا گانه مورد حمله انحصار طلبان و فاشیستها قرار خواهد گرفت ...

ادامه از صفحه اول فصل تعمیمید...
آینده ای تابناک و بتادوم گذشته پیروز و پریشان امید - آرزوید لگرم میسازند ، دکتیزدی وزیر امور خارجه یکی از سران " انقلابی " میگردد ! آمریکا لطیفان مدد دهد که با جمهوری اسلامی در جا خوب صالح و وسائل دکتیزور آماده همکاری است . (اطلاعات ۷/۲۳/۵۸) در این میان بهانه اینست که آمریکا نظرها را مادگی داده که از نظر اقتصاد و دیمشنی دگرنه ما حتی دیروز رسایل نظامی هم حاضر به همکاری است . (همانجا) وزیر انقلابی ما اگر زری صد قصد نباشد ، آرزوی ساده لوحی - که ما آرزوید امیر همنظوری هم باشد - فراموش نمیکند که امیرالیم تظاهر در زایشان امیرالیم آمریکا در سراسر دنیا بطور عام و در میهنمان بطور خاص همواره تحت پوشش " همکاری " و در چارچوب مسائل و صالح دکتیزور بود که حاکمیت شوم خود را به تمامی عرصه های حیات اجتماعی کشور رها کرده ، و بیرحمانه به عارت تحویل توتنیای ملی - بپهره کشی و استشارا و اسارت مادی و فرهنگی تود ها پرداخته اند . بگرد زویران رژیم پهلوی امیرالیم به همین ماسکهای غش ظا هریها تظاهریه " احترام به استقلال و حاکمیت کشور " شوه که شیوه ارتجان توده های مردم میکند و کتیزور با یستی کشیده و مجیبی های خود و نوکران جیره خواری را بپرمکرد ؟ آقای دکتیزدی تعقیف کاذب را بپنجاسخن برساز ! اظهار آمادگی " به احترام به استقلال و ... " نیست بلکه اصل مطلب ما همین وضوح روابط است . امیرالیم آمریکا از آنجا که ما بین منافع انحصارات امیرالیم را دنبال میکند و دنبال خواهد کرد ، تحت هر عنوان و هر تظالم انسان دوستانه ای که باشد ، همواره اهدافی فا زنگاره و استشارگران داشته و دارد .

آیا وزیر انقلابی ما این همه وضوح و اصاحت را تعقیفد و این گذشته که چندان دور از راه یادگی فراموش کرده است ؟ یا اینکه خود را صدا به آراء معروف میزند ؟

باید گفت که در سایه همین فراموشک ریاست که از پس ه میا فرزا شهید و میا آئی سرک و چایانه ، همنوز شعله های انقلاب خاموش نگشته ، همنوز همنایزین با تنها پاک نشده ، امیرالیم بیلند گوهاش با شهادت و اطمینان خاطر دست به پریش طیفه انقلاب میزند و آثار نخطه میکند در این حال دکتیزدی وزیر خارجه انقلابی ماکرمعت بسته به توجه و تسبیح اادات امیرالیم و رنگ و رویش کاری آن و قابل قبول ساختن برای توده های برداره ، چه توده های مابوطه میکند که " از آمریکا قوه یقظه آرزوه منبره جداست و چنین قطعنا به اتمیاست و ولت آمریکا در برابر دولت ایران نیست " (همانجا) این حرف او در دست مثل اینست که گویا سربک نفرینوا تده جدا آید و دستها و پاهاش باشد ، اونقدر ان و با بهر حال نمی خواهد به توده های اپوزیشن را بدهد که بمجموعه سنگا مهای قضایی ، اجرائی ، اداری و ... در آمریکا سیمت و کالید و اداری را میسازند که در خدمت توده های طافع سرمایه داران آمریکاست . قوه یقظه قوانین را تصویب میکند و قوه منبره آتسرا به نفع سرمایه داران به اجراء میآورد . همچنانکه منتریک بتفرصتیم می گیرد و زبان با ها ود دستهاش تراه اجراء درمی آورند . بهینند آقای دکتیزدی بجای اینکه به خواستهای انقلابی توده های ساهس گوید و کلیه قرار اداهای اسارت بساار امیرالیم را با رژیم سابق فاش ساخته و بطور قطعی لغو کند ، بجای اینکه سرمایه های امیرالیم را که همه در جهت بهره کشی و استعمار توده ها و ظارت و چپاول توتنیای ملی است ، طلی اکتفاز کند ، بجای اینکه چنانبتهای امیرالیم و شکتی نظام های وحشیانه انقلابیون را توسط ساواک در مطبوط ، را دیویولونیزین و ... به معرض نمایش گذارد ... بجای اینکه توده ها را هر چه بهشتی به هیبت و مملکت فارت گرانه ، فاشیست و استشارگران امیرالیم آشناند و آگاهی آنها را هر چه بیشتر عنق و بسعت ببخشد ، آری بجای همه اینها برآفت اادات چنانبکارانه و استشارگران چندین ده ساله آمریکا در ایران پرد و میکشد و جنبش آفرمکیایی - البته نه امیرالیم را برآد رتزمان (آندم نه در سراسر ایران) ناشی از روابط " حسنه " اما اسرافیل قلداد میکند (صاحبه با مجله تا م) . به کالید نیمه جان امیرالیم جانی تازه میشد و در صاحبه با هرا لرتیربین اظام امید و آری می کند که هر چه زود تر سفیر جدید آمریکا به تهران برگردد . این سخیره کردن مبارزات توده ها و متحقیرانجا زنها و آرمائهای مقدس آنهاست .

آری باید گفت که این بطور حتم باید که ریشخند تاریخ باشد که برای چندین باره در تاریخ ایران این چندین بار است که این چنین بیرحمانه توده های ساهس سخره میگرد ولی با بدت که این با حرکت تاریخ سراغ هربران بظاهر پروریزونیتزه ، زبونی ، تانوائی ، آنها را بر ملا خواهد ساخت و نشان میدهد ، هاپروریزونیتزه از بطن مبارزات قدرخواه اعراست .

"منتظر نمانی، اخراج باید گردد، منابع وابسته، ملی باید گردد"
"مرگ بر امپریالیسم جهانی، سرکردگی امریکا"
"پیمان با امپریالیسم، الفا باید گردد"
"پیروزی نهایی، اخراج امریکائی"
"مف نظریه خلق، که خشناک، با فریاد "مرگ بر امریکا"
"پایه زمین می گوید، رو بسوی سفارت امریکا دارد، تا در آنجا امپریالیسم امریکا را به محاکمه کند، و به زوزه های سنای امریکا، این ترمیم ن امپریالیسم جهان غوار، با فریاد رعد آنا، پاسخ گوید، لیکن می داند، که تنها نظرات چاره کار این غارتگران نیست، بل، باید که امپریالیسم در تنای مظاهرش نابود شود.

از باکتها بیرون رود، جنگلهای خود را از میان ما، که بوسیله شرکتها ی چند ملیتی، عمده ترپسین وسیله عملکرد سرمایه انحصاری جهانی، سرمایه های وابسته و مهره های خویش بر آن پنجه انداخته است، بیرون کند، قرارداد های امپریالیستی مجاله و بسور افکنده شود، ارتش های مهره های امپریالیسم تصفیه گردد و پایه شوم آن از فرهنگ ما برگرفته شود، و می داند که آنچه به مظل و دوام این سلطه شوم باری می کند، فقدان قاطعیت انقلابی، در برکنند ریشه های امپریالیسم، و خلفان و سانوری است که خلق را از آگاهی به ماهیت امپریالیسم باز میدارد.
"سارت آزادی، سارت خلق ماست"
"انجمنها و شوراهای ایالتی و شهری کامسی بزرگ بسوی دیکراسی می باشد"
"آزادی مملو ماست تا مین باید گردد"
"جوع اعدام خلق جوابد خلق است"
"استبداد به هر شکل محکوم است"
آری باید اقدامات انقلابی قاطع انجام گیرد، بگذار امپریالیستها انگ تصاح بریزند، بگذار از دهان کشتن که تا بحال به قهقهه باز بوده است با آرای مرگ بسته شود، بگذار کشتن تلخ گردد، دوره احتضار آنهاست، این حقیقت را نه تنها خلق ما، بل خلق های ستمدیده سراسر جهان فریاد می زنند و خلق ما با مبارزه علیه امپریالیسم، در کینار آنهاست.

"ظفار، فلسطین، متحد خلق ما"
"مف به پیش میروید، گامهای استوار و مبارزه جوانان اش، غلبا با شما را می بلسد، و مشتای گره کرده در آستان، پوزه امپریالیسم را نشانه رفته است، جمعیت فریاد اتحاد سر میدهد، بخوبی میدانند که جز با اتحاد نمیتوان دشمن حمله گر را نابود کرد، و - بهمان خوبی - دشمن ما اینرا میداند، و به این خاطر سعی میکند، از تمامی جوانب به طرفه دامن زند، و نا آگاهی توده در قند بلیندی، به او کمک میکند، و ما بیرونی این واقعیت را می بینیم، در وجود ملی کسه مقابل نظار کشتگان فد امپریالیست می ایستد، ماجراش که از فرط تکرار، کهنه شده است، هر کجا که فریاد از تشییع دستاوردهای انقلاب است، و هر کجا که طبله طبله میخورد، این توده نا آگاهی را می بینیم، با دشمن خوشی بی دلیل و نا آگاهی، که خود نیز نمیشد، رو به چه سو دارد، و این داستان، آنقدر به بیخندال گرا شده است که خود یکی از این جاساق بدستان نوع جدید، اذعان داشته که کافی است یک شاعر "مرگ بر کمونیست" سر دهد تا در آن واحد، جماعتی که با همه کوچکی خود، بسبب همان دشمن خوشی لجام گسیخته، قادر است جمعیتی عظیم را از هم به یاند، گرد آید، و این شعب آور نیست، توده نا آگاهی که شب و روز از طریق "مدا و سیمای انقلاب اسلامی"، تحریک میشود، و بر علیه دشمن موهوم بسیج میگردد ارتش بالفوه فاشیسم نوباست، و تنها یک شمار کافی است تا روانه میدان جنگش نماید، و آنچه که در این میانه از یاد میبرد، امپریالیسم است.

بگوشه ای از محله میشود، یک نفر که رهبری حمله (!) را بر عهده دارد مجهز به بسیم، جمع را هدایت میکند، بیج گوشی ها و جا قوها بیرون می آید، مشت ها نیز، عینک ها به هوا می رود، پلاکاردها باره میشود، و از آنسو، تنها برهیز از بر خور د و درگیری.
در گوشه و کنار، دسته دسته به بحث می ایستند، فتنهای رکیک و الفاظ قبیح است که در دفاع از "دین" بر زبانها جاری میشود، چند خانم که چادر مشکلی سر سر دارند، همراه با دو سه جوان سعی میکنند عده ای از محله کنندگان را قانع کنند که این گونه اعمال به هر دینی لطمه میزند، و اموال غلاف هر آتشینی است

بیات تحریریه مبارز کیمان

دروما را در یازدهمین روز اعضا ستان، در یازدهمین روز مقاومتان در برابر زور و قدرتی بپذیرید، توطئه و بدنبال آن بپوش عناصر فد آزادی و عمال آگاه و با نا آگاهی ارتجاع به کیمان، این روزنامه فرنگی و اشتغال آن چیزی نبود که، بخصوص بدنبال اشتغال رادسو و تلویزیون و تشبیل آبدنگان، امر غیر منتظره ای باشد و اوضاع، اشتغالی سیری ناپذیر انحصار طلبان از آنجا که مرزی نمی شناسد، جز مدا و سیمای خودش تحمل هیچ چیز و هیچ کس را ندارد.
ما، اعمال فد دیکراسی و غیر انسانی کسان را که فلماها را شکسته و دهان ها را دوخته می خواهند، محکوم کرده و اعتقاد راخ داریم که خلق دلاور ما اجازه نخواهد داد که بار دیگر، فاشیسم در مین ما سایه گستر شود، خلق ما اجازه نخواهد داد که انحصار طلبان، عناصر مؤمن به انقلاب و آزادی را که رژیم فدا ر شاه آنها را مدتها در زندان مورد آزار و شکنجه قرار داده و حتی کمر به قتلشان بسته بود، تحت پوشش مردم فریب "فد انقلاب" سرکوب نمایند، مقاومت و ایستادگی شما خود گواه این واقعیت است: این ایستادگی درسی است برای همه آنان که دل در گرو آزادی و آزادی دارند و نمی خواهند دوباره در شرایط مایلیان سپاه گذشته زندگی کنند آزادگان پیروزند، پیروزی از آن ماست.

قسمتهایی از: قطعنامه راهپیمائی اعتراض به سنای آمریکا

امپریالیسم آمریکا مستحبه سرکرده امپریالیستهای جهانی دشمن خونی تمام خلقهای جهان است، توده های مایلی نیم قرن گذشته بخصوص در بیست و پنج سال اخیر که زیر سلطه بی چون و چرای امپریالیسم بوده اند میدانند که مبارزه با این دشمن فدا بر مشربت تا چه حد برای رهائی آنها از قید ظلم و ستم اهمیت درجه اول را دارد، در جریان این انقلاب هر چند نظام سلطنتی محو و نابود شد و امپریالیسم فریاد سختی خورد، اما بدلیل این که در این انقلاب طبقه کارگر نتوانست در رأس قرار گرفته و رهبری جنبش را بدست گیرد انرژی و قدرت توده ها و فشار انقلابی آنها در جهت نابودی طبقه امپریالیسم به ثمر نرسید، بطوریکه امپریالیسم آمریکا درست به اعتبار همین موضوع توانسته است تا بحال منافع عظیمی از مجموعه منافع غیر قابل تصور خویش را در مین ما از حشر سیل بیخانی کن انقلاب توده ها در امان نگه دارد.
ما در ایسین اجتماع همدا با کلیه توده های ستمدیده و مبارز خلق اعلام میداریم که:
۱- توطئه و چار و جنجال سنای آمریکا که در جهت تخریب و محکومیت احکام مادره از دادگاه های انقلاب صورت گرفت است محکوم و مورد نفرت و انزجار خلقهای ماست.
۲- ما حضور تحریک آمیز ناگان آمریکا را در خلق فارس محکوم میکنیم.
۳- ما خواهان ادامه مجازات و اعدام انقلابی سرسپردگان اصلی رژیم سابق هستیم.
۴- ما خواهان ایجاد اردوگاه های کار برای کلیه عوامل باقی مانده ساواک و افراد مقرر نیروهای انتظامی و نظامی و اداری رژیم پهلوی هستیم، و معتقدیم که این عناصر تا اصلاح کامل با نیستی در این اردوگاه ها به کار تولیدی و مفید نظام با آموزش انقلابی و محیط سالم و انسانی نگاهداری شوند.
۵- ما معتقدیم که توطئه های شوم امپریالیسم در دراز مدت زمانی میتواند بی اثر گردد که سلطه و نفوذ امپریالیسم بخصوص امپریالیسم آمریکا بدون تردید و تزلزل نابود گردد، بر ای تحقق بخشیدن به این امر:
الف: ما خواستار لغو کلیه قرارداد های اسارت آور سابق نفتی، با امپریالیست ها و بستن قرارداد های جدید بر اساس منافع مردم ستمدیده، ایران هستیم.
ب: ما خواستار لغو قرارداد ملی کردن کلیه بانکها و شرکت های صنعتی و بازرگانی و خدماتی و زراعی و سایر مؤسسات امپریالیستی و دلالت داخلی آنها سفح خلق و از مین برود تمام زمینهای وابستگی را بنمورد هستیم
ج:
کنترانس وحدت در راه آزادی طبقه کارگر

سود قصد به حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی را محکوم میکنیم!

در شرایط کنونی هر مبارز راستینی بخوبی آگاه است که انقلاب مادر نیمه راه است و پیروزی نهائی در مرحله کنونی انقلاب تنها زمانی بدست می آید که به سلطه و نفوذ امپریالیسم پایان داده شود و ارتجاع داخلی نابود گردد.
یکی از ضروریات اساسی رسیدن به این پیروزی نهائی ایجاد و حفظ همبستگی و وحدت مفود خلق در مبارزه بر علیه امپریالیسم و ارتجاع است، درست بخاطر همین مهم است که تمام نیروهای مارکسیست - لنینیست و انقلابی و دیکرات خلق تلاش میکنند که وحدت و همبستگی نیروهای خلقی و یکپارچگی صفوف مردم ستمدیده را حفظ کرده و آنرا تقویت نمایند.
اما در چنین شرایطی کوششهای وسیع دیگری درست در جهت عکس هدف فوق در جریان است، این تلاشها هر چند در اشکال مختلف صورت میگیرد، اما همه در یک محور میگردند و آن منحرف کردن ذهن توده ها از سمت اصلی مبارزه است، این کوششها، هدف ایجاد دلتفا در مین مفود خلق را دنبال میکند و بر آن است که با همه سیراها کشتن شور و شوق انقلابی توده های ستمدیده، آنها را از رسیدن با آزادی و استقلال کامل باز دارد، بدین ترتیب این تلاشها جز در خدمت ارتجاع و امپریالیسم قرار نمیگیرد.
دست زدن به ترور و اعمال غشوبت و قرب و جرح افراد، جزئی از این تلاشهاست، سو قصد تا سلف انگیز به حجت اسلام هاشمی رفسنجانی، نمونه ای قابل کوشش است که چیزی جز آب با سیاب امپریالیسم و ارتجاع ریختن نیست این سو قصد قبل از اینکه سو قصد به یک شخصیت باشد، سو قصد به منافع مردم ستمدیده ماست، و به همین لحاظ توده های رنج دیده ما از آن بیزارند، ما همچنانکه در قبل نیز اعلام کرده ایم اینگونه اعمال تروریستی را بدست محکوم کرده و نسبت به بهره بردارهای فرسکارانه ای که این عمل میتواند بدنبال داشته باشد به تمام نیروهای راستین خلق هشدار میدهم.

برقرار باد همبستگی نیروهای خلق
سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر ۵۸ / ۳ / ۵

هموطنان مبارز!
لگنهای مالی خود را به حساب جاری شماره ۵۸۲ بانک صادرات ایران - تهران شیبه امر با بد جنوبی ۱۳۶۹ واریز نمایند.

تصحیح:
در شماره قبل، در گزارش "نظرات سرتا سرتا سرتا بردستان... بجای "طبیبان" معنی "نوشته شده بود" اما عمل شریف را ده، که بدینوسیله اصلاح میشود.

آنها ظاهرا قانع شده اند اما چند قدم آنطرفتر ما چرا را از سر میگیرند. بنظر می رسد که قضیه قدری هم "بابت" مشفولیات است!!
مف حمله کنندگان آنقدر تحریک شده، که حتی مصیحتهای رفیق یک روحانی نیز دردی را دوان نمیکند. سد جلوی مف نظار کنندگان فد امپریالیست شکسته نمیشود شمارها و توهین ها ادامه می یابد و کشتن میبوهود جریان دارد. تاگزیر فلتما مها، بخش میشود. جمعیت از هردو سو، پراکنده میشوند، خسته و آزرده.
آنسو خیابان، روی سفکرش، دهان مشترک به غنده ای کشیف، باز شده است.

ادامه از صفحه اول

بقدری اپورتونیستها متفحص و رسوا گشتند که امروزه هر شخصی و هر نیرویی که خود را گنیمت می نامد نمی تواند لااقل در جریان شعارها تا تائید نکند و بران صحنه ننگ آرد. از همین رو در شرایط کنونی مسئله شناسایی "حقل مل در... " به تنهایی نمی تواند. وجه تمایز مارکسیسم لنینیسم و اپورتو- نیسم باشد. امروز همه بظاهر طرفدار پروا فرض حسل مارکسیستی مسئله ملی می باشند و با حرارت و جاربوجتال فراوان از حق ملی در تعیین سرنوشت خویش دفاع می کنند. ولی آیا این بدین معناست که دیگر حد و مرز بین اپورتونیسم و مارکسیسم - لنینیسم از بین رفته است؟

اپورتونیستها و رویونیستها از این شعار دم می زنند برای اینکه حرفی زده باشند. ولی بهیچوجه از شرایط تحقق واقعی آن و طبقاتی که رسالت وظیفه انجام پیگردانه چنین امری را به پده دارد. سخنی بمان نمی آید و صلاح خود را در این می بینند که در این باره سکوت کرده و سیر در لاک خود فرو برند. باید گفت که امروز حد فاصل بین مارکسیسم - لنینیسم از یکسو و اپورتونیسم و رویونیسم از سوی دیگر در قبال مسئله ملی درست در همین جا است و با هم معیار می توان تشخیص داد. ادامه منطقی و پیوسته چنین روش و سیاستی را در سطر روشنفکریهای حزب توده می توان دنبال نمود. و حال که به اینجا رسید فایم لازم است قدری حریف روی " خود مختاری " که در او رسته کهنه مرکزی طرح می کنند مکتب نماییم.

حزب توده چگونه از استقلال و تمامیت ارضی برخوردار می شود؟

آنها در این باره " خود مختاری اداری و فرهنگی در جارجوب وود ملی ویا حفظ اکیده استقلال و تمامیت ارضی " (مردم شماره ۱ - ص ۳) را مطرح می کنند. در اینجا سخن از خود مختاری در جارجوب تمامیت ارضی است و حتی غلبه " غیر آنها، زمین ایران و سرسیردگان رژیم مخلوع شاه، میفریبگی شده و آنها را در محکوم به تجزیه طلبی می کند. این شعار از نقطه نظر نفی تجزیه طلبی در ظاهر امر اصولی و درست و خالی از اشکال منطقی رسد چرا که شرایط واقعی تاریخی ایران حفظ تمامیت ارضی کشور را برای ناپیدی کامل منتهی و نفوذ امپریالیسم لازم و اجتناب ناپذیر نبوده است و کلیه نیروهای ضد امپریالیست و بخصوص مزدوران بافیکه کارگر به این امر اصرار می ورزند. اما در این شعار سه ضلع غده و اصلی ای که ضامن این تمامیت ارضی است. سوافق تجزیه طلبی، باشد. مسلما " خیر. چرا که در این صورت آنها نخواهند توانست در بین توده های مردم نفوذ کرده و خود را " وجهه انطه " نشان دهند. آنها در این صورت نخواهند توانست از نیروی توده های مردم در جهت اعمال اهداف و فواید تجزیه طلبانه و استثمارگران خود سر استفاده کنند.

نیروهای ارتجاعی در حرف طرفدار و داشته تمامیت ارضی می باشند ولی این امر بهیچوجه ماهیت تجزیه طلبانه آنها را نمی بیند. واضح است که شعار خود مختاری در جارجوب تمامیت ارضی به تنهایی نمیتواند تضمین و محسنگ کنند واقعی موضوع باشد. در اینجا این سوال پیش می آید که چگونه می توان به این مسئله پاسخ عملی داد. چیزی که نمود آنها و زمینداران بزرگ، از آن عاجزند. و این امر تعیین کننده زمین است. تنها شعار خود مختاری همراه با ارائه راه حل مسئله ارضی بسج در هفتاد در مقابل زمینداران است که می تواند توده ها را از نظر با تلاشهای توده نگران و نغمه ساز، های خوش الحان تودا و ۰۰۰ رهایی دهد نمی اینکه بطور واقعی تمامیت ارضی را نیز تأمین کند. باری به اصل موضوع برگردیم.

خود مختاری آری، ولی از چه نوع؟

مارکسیست - لنینیستها شعار خود مختاری را برای این طرح می کنند که توانده طبقاتی ایران را بصورت پلت کاپلی قسام هدا آنها بتوانند سرزمین های سکون خود را به واحد اتعاقا و یکپارختی بدل سازند. آنها می مانند که " شرایط - تصادی سیاسی و فرهنگی که علت غرضی را احاطه می کند آنه کویبند این مسئله است که چگونه می یان آن ملت باید زندگی و در تأکید هد و تشکیلات آید. آن چه شکلهای باید بخشد. بود. بدین ترتیب ممکن است که در مورد هر ملی راه حل مخصوصی برای این مسئله لازم آید. " (استالین - ملیت ص ۵۷)

آنها معتقدند که تنها تحت این شرایط است که می توان ستم ملی را " رواقمی و قطعی برانداخت و بطور مکرر در کشور تفاوت این خود مختاری را با انواع خود مختاریهایی که از سوی بوزوازی ه خرد ه بوزوازی و نژودا و ۰۰۰ پیش کشید ه میشود. تذکر می دهند " چرا که این خود مختاری ها همه و همه در جهت انکار موجودیت ملی خلقها ه ادامه سیاست شوینستی سابق و ۰۰۰ می باشد. آنها اینکار را میکنند تا ذهن توده ها را روشن سازند. چرا که چنانچه میدانیم تا سیاسی طبقات از شمار " خود مختاری " دفاع میکنند ولی این امر تفاوتی اساسی و اصولی این شمارها را نمیتواند کتمان کند؟ آیا اطلاقی لفظ مشترک " خود مختاری " می تواند به راهمیاست طبقات متفاوت و متفاوتی که این شمارها دارند و در پشت

حزب توده مسئله ملی

آن اهداف و منافع طبقاتی گوناگونی دنبال میشود. پرسه افکند؟ واقعیت این است که غیره. اما حزب توده خود را بیه خود مختاری اداری و فرهنگی دلخوش میکند. او بر روسی شرایط ویژه زندگی هر ملیت مستقل وجدگانه را که همه در ایران زندگی می کنند ه از یاد می برد. او همچنین فراموش میکند تفاوت محتوی و ماهیت خود مختاری از دیدگاه طبقه کارگر را با دیگر طبقات شرح دهد. آیا علتن فراموشی آنهاست؟ روش و سیاست بوزمه و تبلیغ و ترویجی که حزب توده در باره مسئله ملی میکند بوضوح نشان میدهد که او فراموش نمی کند بلکه به عدالت می اندازد. آنها فقط و فقط برای " ضعیفان " خود مختاری که تمام طبقات و حتی " صاحبان قدرت " نیز آتیرال قبول دارند. " مبارزه " میکند " نه برای محتوی و اصل آن. بهتر است به جملات زیرین نظری بیاندازیم تا روشن شو که آنها چنین کاری را می کنند و حتی با چنان روح چاکر بیستی و صدقه خواهی در برابر صاحبان قدرت کریش می کنند و بیه شکل چند شوری اقدامات آنان را تأیید می نمایند:

" باید خاطر نشان ساخت که مسئله تأمین حقوق سلب شده و خلقهای کشور ما مد نظر رهبر انقلاب پیروز شد مردم ۰۰۰ قرار دارد. " خصیصه های واقعی بین انقلاب نیز در همین زمینه تکیه کرده اند. از جمله آقای " وزیر مشاور " ۰۰۰ روی این موضوع تکیه کرد " (مردم شماره ۱۴ ص ۵) " و یا " با اعلان نظر و لیت منتهی بر نفوذ خود مختاری برای ملیت ها و ۰۰۰ (مردم شماره ۵ ص ۲) و " همه اینها نشان میدهد که ایشان برای نوع خود مختاری تلاش میکنند و در مکرر و داده میشود سخن زانده و نشان داده ایم که چگونه همه این شمارها در جهت فریب توده ها و ولاجرم ادامه سیاست شوینستی می باشند. حشایر و شرایط ویژه هر یک از ملیتهای ایران و تعیین شمار مناسب و منطبق بر این شرایط خاص جهت به حرکت در آوردن هر چه وسیعتر توده ها ه آموزش سیاسی آنها و جلوگیری از نفوذ توده آنها " زمینداران و روسای مرتجع عشایر و افاشا و طرده عدم آنها " آنچه جز است که نیروهای م. ل می یابستی انجام دهند. " و این درست همان موردی است که توسط حزب توده از طرف می افشد و در مورد شن سکوت اختیار میکند. آنها هیچ تحلیل مشخصی از خلقهای ایران و شرایط خاص که هر یک از اینها دارند ه ارائه نمی دهند و نمی توانند به پدهند. " چرا که آنها درست یا جای پای صاحب نصمان می گذارند. و نان به نرخ روز میخورند و آنها تنها زمانی حرف میزنند که شرایط ناچارشان می سازد. به عنوان مثال از خود مختاری کردستان البته با همسان محتوی معلوم الحال اش حرف میزنند چرا که شرایط چنین ایجاب میکند ولی به هیچ وجه حرفی از بلطغ " عرب و سایر خلقها نمی زنند.

حال اندکی به سیاست و روش ریزبول حزب توده در قبال مسئله ملی و بخصوص حوادث کردستان نظری بیکنیم تا چشمه شان هر چه عریان تر و بی پرده تر در برابر دیدگان آشکار گردد.

سکوت خانانه و همگامی با صاحبان قدرت

در موردی هر چند اجامی بر روش و سیاست ریزمره حزب توده در قبال مسئله ملی، آنچه جز که به طرز برجسته ای نمایان میشود و خود را از بالای موضع گیریهای آنان نشان میدهد. تلاش مذبوحانه ایست که با کمیا میرسد تا آنچه که می خواهند در این مورد نهیازند سا بر مورد موضوع را با سکوت برگزار کنند. " آرام آرام و مود یا نا زکارش رد شد مگر بهمان خود را از برخورد جدی و انقلابی ه خلاصی دهند. آنها زیرگانه و آگاهانه یگانا بر میآیند تا از

بیکطرف محضالی نبودن عرضه موضعی گرفته باشند (در سطر بعدی توضیح بیشتری خواهیم داد) و از طرف دیگر برای اجتناب از طرح واقعی موضوع که میتواند سبب آزرده گسی خاطر صاحبان قدرت شود. " حتی حرفی هم از اصل مطلب بر زبان نمی آورند. " بدین معنی که در شرایطی که حوادث کردستان و گنبد با هر سنگی تمام در سطح کشور مطرح بوده و محورتما می بحثها و گفتگوها توده ها گاشته بود ه در زمسانی که سرفاله کلیه نشريات و حتی نشريات خود ه بوزوازی و جونا - حهای را د بکال بوزوازی را برحی حیوات کوردستان و گنبد

● **حزب توده فقط و فقط برای مؤمنان خود مختاری که تمام طبقات و صاحبان قدرت نیز از آن قبل دارند، مبارزه میکند، نه برای تمامی اصول آن.**

● **سکوت در برابر اظهار نظرهای صاحبان قدرت، با تامل و شرمندگی در مقابل سیستم حکومتی شیانی است برضق.**

تشکیل میداد. حزب توده چشمان خود را بر روی واقعیات بسته و در مورد جنگونی پدایش این حوادث " وضع و خصمیات نیروهای که در این مناطق صل میکند نقش موضع دولت در این حوادث و ... معنای واقعی لب از لب نمیگشاید و صلاح خود را این می بیند که هیچ حرفی نزنند. و درست در اینجا است که بهلوان پنبه های لافزن که فضل فروش و تشدید از خود نگار ریزمره شان شده ه در پیش روی می شود. و درست در اینجا است که چهره و ماهیت واقعی ایشان که با از رویی های روشنگرانه با د ضیف با در گوسی اندازند که در " همواره از جنبش های ملی ایران را از چشم جنبش کرد با تمام قوا حمایت کرده و می کنیم " و یا " حزب توده نخستین و تنها حزب سراسری ایران است که به طور بیگوارانه حق تعیین سرنوشت خلقی ... حمایت کرده و حمایت میکند. " و " بطور واضح و به نحو آشکاری معلوم می شود.

آری جریان واقعی زندگی در فعل نشان می دهد که چگونه این حامان " سرسختان " جنبشهای ملی " از ترس آزرده خاطر گشتن صاحبان قدرت به خاطر جلب نظر لطف و مرحمت آنها برای حتی جنبش های ملی را بفرمانوش می سپارند و تعیین سرنوشت خلقها را به دست می نهند. " بطوریکه آد میکنند بلکه بدست عناصر ارتجاع که امروزه لباس انقلاب بتن کرده اند و نفوذ الهاتحول میدهند. از اجابات ارتش حرفی نمی زنند و ... حتی بشیرا نشانند که توده فسا را فریب میدهند و طوری وانمود میکنند که گویا د بگر مسئله ملی حل شده " مردم ما باز سندج به اکتفا، خلق کرده و همه مردم ایران جادنه از دشمن راه سرچای خود نشانند در سیرمای عادلانه ای که تضمین عده ترین خواست خلق کرده است با آلت الهه طالبانی سه توافق رسیدند " (مردم ش ۳ ص ۱) و یا " خوشبختانه مبارزین کرد با هوشیاری و فدکاری تمام این توطئه را در راسم کشند و موفق شدند ... به توافقی دست یابند که از سراسر جهات جنبه تاریخی دارد. " (هانا ج ۱) پس باید این پیروزی نوبانقلاب را در کردستان که گشته است یک مسئله مهم و معض راحل کند به هم تبریک گفتن گرفت. " به این تعهد قطعی رویشن چیز یادی نمی توان اضافه نمود. مابه همه جازین انقلابی پیوژه آیت الله قائلانی و آیت اله عزت الله - بن حسینی که توانسته اند بر سارین صالح اساسی متوافقت برسند تبریک میگویم. " (هانا ج ۲) در حالیکه همه میدانیم که این توافق چیز ی نبود جز تلاشی از جانب سیستم حکومتی برای آرام نمودن اوضاع و تشبیه موقعیت خود. " و از هم دستهای ناپاک د کردستان در گذارند. " نفوذ الهاترکسازی میکنند و کمیته های انقلاب هم که " تحقق آرمانهای خلق کرد را تضمین کرده اند " در نزد یکی اراگانیک و در اتحادی مستحکم با توده الهاد مار ازورگا خلق کرد می کشند.

در اینجا است که حمایت بیگوارانه تعیین سرنوشت خلقی " در حرف جای خود را به حمایت بیگوارانه که صاحب امتیاز آرای قدرت است. میدهند. " حمایت با تمام قوا از جنبش های ملی " جای خود را به تعطف با تمام قوا از جنبش های ملی عوض میکند] البته تعجب نکنید ریزمره ها های مردم ارگان مرکزی این حضرات را بردارید. ورق مزیند و آثار با سا بوزوازی ه می کنند در این مدت منتشر شده ه حتی اجامی مفاهمه ای بکنید تا واقعیت هر چه عریان تر روشن گردد. در طول بکاه از واسط اسفند ماه به بعد تقریبا " اکثریت مطالب ریزمره ها که از واسط و اعلامیه های نیروهای انقلابی راضح بر روشها ی حزب ستان و گنبد اشغال میکند. در حالیکه در این مدت حزب توده یک مقاله ماه راجع به بررسی سزوخ و سندن حوادث، و نقش نیروهای موجود در آن موضوع در دست و پا زدن این حوادث بیرون نداده است. آرتاز ه آن موضع گیریهایی نم بندد و بهیچو - بی هم که آنان از روی ناچار ی بری کاغذ آورده اند و تعداد -

ممنوعه ای دیگر از کتاب سوزان آسم در دوران انقصاب؟

استاندار اعلام کرد که درقبال این اعمال و تأمین جانی مردم مسئولیت ندارد .
روز شنبه ۵/۳/۵۸ کاپیفرش ها تصمیم دارند حدود ساعت چهار بعد از ظهر برهند استانداری و با استانداری صحبت کنند تا موضوع استانداری در مقابل این افراد و این گونه اعمال مشخص شود تا اگر استانداری مسئولیتی قبول نمیکند مردم خودشان تکلیفشان را با این قبیل افراد روشن کنند . البته قبلا هم این افراد مارکدار دست به چنین اعمالی زده بودند و با اعلاجه متلفن و یا شفاها همیشه این افراد را مورد تهدید قرار میدادند .

روز جمعه ۵/۳/۵۸ عده ای افراد مارکدار و شناخته شده در شهر به تظاهرات پرداخته و به کاپیفرش ها حمله کردند و تمام کتابها را بیرون ریخته و آنها را آتش زدند که باعث خسارات فراوان شد . البته هدف آنها کاپیفرش های بود که کاپیفرش های کمونیستی به فروش میسراندند . در این حمله به کاپیفرش های افراد فروخته و مورد ضرب و شتم این افراد قرار گرفتند و زخمی شدند . بعد از این واقعه عده زیادی از مردم خیم آباد به اتفاق کتاب فروش ها به عنوان اعتراض به این اعمال ضد مردمی با استانداری رفتند که از طرف استانداری جواب درستی به آنها داده نشد و

شان در مجموع ۳۱ مورد فراتر می رود در جهت تأیید کامل صاحبان قدرت . توجه و قابل قبول ساختن سیاستهای نیم بند سیستم حکومتی برای توده ها تا شد و تکرار طوطی وار و عده و بوعده های معلوم الحالیکه از طرف دولت داده میشود و خلاصه در نتیجت آنها به آراش نه از موضع انقلابی بلکه در واقع باغبان سیستمی از خواستهای خود میباشد . در مورد حسودات کردستان که مدت ها مهمترین موضوع سیاسی روز بود آنها تنها در مقاله " تحت عنوان غیرواقعی و فریب دهنده " خلق کرد سرنوشته خود را به دست میگرد " و پیروزی نوین انقلاب در کردستان " در مردم های شماره ۱۰۳ آورده اند که نتنها هیچ اشاره ای به خلق واقعی و اودت خونین کردستان و خصوصی نقش دولت درقبال این حوادث و . . . نشده ، بلکه به عکس با جمله بردارین و لفاظی های که خاص سیاست - مداران بورژوازی ویژه همه ریزبومیستها و پورتومیستها است به طیش حدی در مقابل سیستم حکومتی و فریب و تسکین توده ها هاپرداخته اند . در مورد کینه و وضع آزار این هم بدتر است چرا که در امر سکوت گذارن و تحریف و اغماضات و تأیید و تشدید سیستم ، به برگرد جدیدی دست یافته اند .

۲- روستاهای " هاشم آباد " که در ۳۵ کیلومتری ارومیه قرار گرفته و در این ده حدود ۱۰۰ خانوار زندگی میکنند که از آنها تا حال ۳۳ خانوار بوسیله عادل بیگ و حاجی جمیل که ارباب ده هستند بیرون رانده شده اند . البته قبل از بیرون کردن نشان روستائیان برای اینکه بتوانند در ده بمانند به خریدن یک ماشین چپ برای ارباب که قیلا از آنان خواسته بود مبادرت میورزند و ارباب به این هم قانع نمیشود و به بیرون کردن نشان میورازد که با مقاومت روستائیان مواجه میشود ولی بدلیل اینکه اینها بوسیله اربابان اطراف توتیوت میشوند روستائیان ناچار به ترک ده میشوند . روستائیان میگفتند که ما حاضریم حتی زمینها را به ارباب بدیم به شرط اینکه اربابها بگازند ما در خانه های خود باشیم ولی بازاری نیستند .

از چندین روستای بزرگ و کوچک تشکیل شده است و در این منطقه دامداری و کشاورزی به صورت ابتدایی باقی مانده . بجز مالکین و دهقانان مرفه که از وسایلی تقریبا مدرن برای کشت و زرع استفاده میکنند در مرگور بعلت فقر و فاقه و بیابان و شیره ای حتی بعد از اصلاحات ارضی باقی مانده است . دهقانان بصورتی گوناگون تحت فشار فئودالها که اکثرشان دست نشانده رژیم سابق بودند قرار دارند و بگفته اهالی این منطقه فئودالها حتی از پدرشند مدرن جلو گیری میکنند و بدلیل فئودال شیره ای آگاهی روستائیان در سطح بسیار پایین قرار گرفته . فئودالها هر وقت بخواد هند به غارت روستائیان میورازند . بعد از قیام سلطانه ۲۱ و ۲۲ بهمین ایران و شکست آخرین بندهای رژیم سلسله پهلوی فئودالها و مشایر مرگور به خلع سلاح اکثر آنها سگها برداخته که بیشتر مهمات و اسلحه نصب آنان میشو - دو بوسیله آن خود را آماده میکنند . دهات مرگور از ۴۰ روز پیش مورد هجوم فئودالها قرار گرفته و ۶ روستای این منطقه تا حال حدود ۳۵ روستا غارت شده اند که در زبیره بعضی از دهات غارت شده اشاره میشود .

مدارن بورژوازی ویژه همه ریزبومیستها و پورتومیستها است به طیش حدی در مقابل سیستم حکومتی و فریب و تسکین توده ها هاپرداخته اند . در مورد کینه و وضع آزار این هم بدتر است چرا که در امر سکوت گذارن و تحریف و اغماضات و تأیید و تشدید سیستم ، به برگرد جدیدی دست یافته اند .

۳- روستای " سی گرگان " که در سی کیلومتری ارومیه قرار گرفته که ۶ خانوار زارع بوسیله ارباب از ده بیرون رانده شده اند .
۴- روستای " دستگر " که ۶۰ خانوار در آن زندگی میکنند و اربابها عازتند از : " حاجی پیکر " و " حاجی جوهر " که ۱۱ خانوار آن از ده رانده شده که ۲ خانوار در زبیره و بقیه در دهات دیگر پیش ارباب خودشان رفته اند .
۵- روستای " سیده سر " که ۶ خانوار در آن زندگی میکنند از این ۶ خانوار ۲ خانوار ارباب و بقیه یعنی ۴ خانوار - دیگر بوسیله اربابها از ده بیرون رانده شده و حتی خانه آنها به آتش کشیده شده است . اربابها عازتند از : محمد خلیل و محمد قنبر .
۶- روستای " بهره شیب " که تا حال چند خانوار از آن بیرون رانده شده و یکی از اهالی آنها بدلیل آنکه علاقه به آنجا برد میورازد مردم ده خوانند بوسیله ارباب مورد تهدید قرار گرفته اند عازتند از : شه قل قا ، سه گیوه ، نه وی ، البته اکثر روستائیان که بوسیله اربابان بیرون رانده شده اند در شهرک زیوه که قیلا محل آوارگان کدهای مزاق بود هستند در آنجا اکثر خانههای روستایی بدین در زبیره هستند و نیز برای تهیه نان و سایر مواد غذایی مجبورند به ارومیه یا دهات دیگر بروند .

مرگور منطقه وسیعی است که در غرب ارومیه واقع شده که از چندین روستای بزرگ و کوچک تشکیل شده است و در این منطقه دامداری و کشاورزی به صورت ابتدایی باقی مانده . بجز مالکین و دهقانان مرفه که از وسایلی تقریبا مدرن برای کشت و زرع استفاده میکنند در مرگور بعلت فقر و فاقه و بیابان و شیره ای حتی بعد از اصلاحات ارضی باقی مانده است . دهقانان بصورتی گوناگون تحت فشار فئودالها که اکثرشان دست نشانده رژیم سابق بودند قرار دارند و بگفته اهالی این منطقه فئودالها حتی از پدرشند مدرن جلو گیری میکنند و بدلیل فئودال شیره ای آگاهی روستائیان در سطح بسیار پایین قرار گرفته . فئودالها هر وقت بخواد هند به غارت روستائیان میورازند . بعد از قیام سلطانه ۲۱ و ۲۲ بهمین ایران و شکست آخرین بندهای رژیم سلسله پهلوی فئودالها و مشایر مرگور به خلع سلاح اکثر آنها سگها برداخته که بیشتر مهمات و اسلحه نصب آنان میشو - دو بوسیله آن خود را آماده میکنند . دهات مرگور از ۴۰ روز پیش مورد هجوم فئودالها قرار گرفته و ۶ روستای این منطقه تا حال حدود ۳۵ روستا غارت شده اند که در زبیره بعضی از دهات غارت شده اشاره میشود .

مدارن بورژوازی ویژه همه ریزبومیستها و پورتومیستها است به طیش حدی در مقابل سیستم حکومتی و فریب و تسکین توده ها هاپرداخته اند . در مورد کینه و وضع آزار این هم بدتر است چرا که در امر سکوت گذارن و تحریف و اغماضات و تأیید و تشدید سیستم ، به برگرد جدیدی دست یافته اند .

- ۱- کلیه عواملی که در نابودی کشاورزی ما نقش داشته اند در دادگاه های انقلابی محاکمه شوند .
- ۲- ما خواهان افزایش سهام برگ سبز جای ما توجه به هزینه عوامل تولید هستیم .
- ۳- لغو باز خرید اقساط چکهای مربوط به اعلامات ارضی و لغو بدهی های کشاورزان به اداره جنگلبانی و ترکتیهای تعاونی
- ۴- تا مین بهداشت و درمان و آموزش را بگان تمام سطح متوسطه و همچنین تا مین آب سالم و برق برسانی روستاها
- ۵- جلوگیری از ورود مرکبات و برنج و جای خارجی در جهت کمک به محصولات داخلی و خرید به موقع و بیابا ترخهای مناسب محصولات کثوری و کورتا کردن بدست واسطه ها تا هم بر ما اجاف نگرند و هم با قیمت مناسب بدست موهشان عزیزمان برسند .
- ۶- تقسیم اراضی بشیوه ای انقلابی .
- ۷- ممنوع دفع افات مرکبات و برنجوارها به موقع و به اندازه کافی در اختیار روستائیان قرار گیرد .
- ۸- وسایل و تکنولوژی مدرن در اختیار روستائیان قرار داده شود .
- ۹- در پایان ما خواهان به رسمیت شناختن شورای ده خودمان از طرف دولت انقلاب هستیم .

بانه مردم روستائی تواج رودسر

حال که انقلاب عظیم ایران با انتشار خون هزاران شهید به پیروزی بزرگی دست یافته است و برای نخستین بار در ایران بهار آزادی فرا رسیده ، حال که کلیه زمختگان ایران در طلوع آزادی به سوی برابری و برادری و احیای مقام والای انسانیت گام برمی دارند ، حال که مردم برخاسته اند تا حکومت زورگویان و خودکامگان را به زیاده دانی تاریخ سپرند و مذاقت و مساوات و بکرستی را بجای آن جایگزین کنند . مساهلهقان و کشاورزان روستاهای بازشن ، لانسک ، کرباسرا و ترکوه از توابع رجم آباد شیرستان رودسر که از زمختن ترین و محرومترین اقشار این مملکت هستند همسگی خود را با کلیه کشاورزان و کارگران و دیگر زمختگان کشور اعلام نموده و هرگونه توطئه و نفاق افکنی از جانبده انقلابیون را محکوم کرده و هم چنین برای نگهداری از دستاوردهای انقلاب و تسکین بخشیدن به انقلاب اقدام به تشکیل شورا های دهقانی نموده ایم . تا بدین وسیله وظیفه خویش را در توسعه عمران روستاها و مرکز همگام با سایر نیروها انجام دهیم . و خواسته های خود را به شرح زیر اعلام میدارم :

۵ پایان سخن

در اعلامیه کمیته مرکزی تحت عنوان (تحلیلی از وضع انقلاب و ضد انقلاب در جامعه ما) چنین آمده است " رهبری پیکر ، قاطع و آشتی ناپذیر است که بینی در راه ریشه کن ساختن سلطه سیاسی ، نظامی ، اقتصادی و فرهنگی امپریالیستی " و حتی آنها اینچنین آشکار به تحریف صومسی ابتدایی ترین اصول مارکسیسم - لنینیسم پیور از نوجا پلوسانه به رهبران خرد میروزی مرفه و سنتی ، آنها در کشوری که مناسبات سرمایه داری حاکم بوده و تقول خودشان ببنیان ۶ میلیون (طبقه کارگر و متحدین کمونیست - کیانوری) کارگر در طبقه جامعه خود دارد ، چنین عنوانی را میبهند محبوبیم قبول کنیم که کلیه وظائفی را که طبقه کارگر در انقلاب دمکراتیک پیش رو دارد ، در چهارچوب نظام فعلی قابل حل است . و لاجرم دولت فعلی میتواند حقوق ملی خلق ها را تأمین کند . در این حالت ما ناچاریم که در برابر واقعیت چشم فرو بندیم و لب از لب نکشایم . ذهن توده ها را مغشوش سازیم و هنگام و همصدا با صاحبان قدرت به تخطئه جنبش های ملی پرداخته ، طوطی وار به تکرار گفته های آنان میورازیم . و الحاق که حزب توده در این باره سنگ تمام هم میگذارد . آنان شبانه روز کوشش میکنند و عرق میورزند تا خوش خدمتی و لیاقت خود را برای دریافت صفت از دست یاک صاحبان قدرت به ثبوت رسانند . آری چاکر آبی و گدای امتیازات دولتی ، کار را با آنجا کشانید که است که آنها براضی و با غیور و افتخار اصول اعتدالی را که بیان میبایند تحریف میکنند و آنرا بصورتی در میاورند که بساری پیروزی ، خرید میروزی و صاحبان قدرت قابل قبول باشد . آنها تمام قدرت و نیروی خود را بکار میورند تا کاری کنند که خاطر قدرتمندان را آزرده ن سازند و بهمین جهت بقدری از مارکسیسم - لنینیسم دور گشته اند و در منجانب خیانت در غلطی میبند که حتی کمتر از خود میروزی و خود صاحب قدرت آنها انتقاد میکنند .

اخبار و مبارزات کارگری

خراج کارگران سده کارون مسجد سلیمان

شرکت سامرین بار ۲۱۳ تن از کارگران را اخراج نمود و این در حالی است که بیژن در سطح کشور بیداد می کند و هر روز ایجاد گسترده تری می یابد.
این شرکت فرانسوی که پیمانکار سد کارون (مسجد سلیمان) بوده و از حدود ۱۰ سال پیش شروع بنا کرده است، در ابتدا تعداد نسبتاً زیادی کارگر داشت، ولی با رسیدن به مراحل پایانی کار سد، کارگران را بتدریج بیرون می کشد. اخراج کارگران بخموش در جریان اعتراضات و قیام آج کزوت، بدون آنکه بعد از قیام بیش از ۲۳۰۰ کارگر باقی نمانده بود. کارگران قبل از قیام، با حداقل مزایا اخراج می شدند. نژاد کارگران تا سه سال سابقه را با ۱۲ روز بقیه را پس

اهواز فرستاده اند. تا آنجا که بالاخره اداره کار تحت فشار کارگران قبول می کند که روز شنبه ۵/۲/۲۹ نماینده کارفرما را در محل حاضر کرده و در غیر اینصورت رای غیاب صادر کند.
روز شنبه ساعت ۵ بعد از ظهر حدود ۱۵۰ نفر از کارگران در اداره کار جمع میشوند و دو نماینده از طرف شرکت، یک نفر فرانسوی و یک نفر ایرانی، با نمایندگان کارگران وارد شد. کوه میشوند که تا ساعت ۹ شب طول میکشد. ولی شرکت تنها حاضر به پرداخت ۴۰۰ هزار تومان حقوق در سال میشود، ولی چون با مخالفت کارگران مواجه میشود موضوع را به دادگاه حل اختلاف رجوع میدهند. در اینجا عده ای از کارگران مسئله گروگان گرفتن نماینده شرکت را مطرح میکنند که نمایندگان نشان ترجیح میدهند که ابتدا مراحل قانونی را دنبال کنند و چنانچه نتیجه ای نداد در فکر تیراژه ای دیگر باشند.

راهپیمایی کارگران پیکار

کارتهای گداز در میوهها توسط یکی از کارگران بیکارمها یاد نوشته شده و بدست مارپیچه است. طاقو ساگی نوشته ابراز برای دانش که بدون تغییر در جمله بدنههایش، بخشی از آن را معینا نقل کنیم.

در روز ۵۸/۲/۱۷ بعد از سه روز که در کلوب تربیت بدنی جمع می شدیم، هر روز تعداد کارگران افزوده می شد، که بر شناسنامه های صندوق بیکاری را به ما دادند.
۹۵٪ کارگران دفترچه بیمه ندارند و هیچ بیمه نام آنها تعلق نمیگیرد و کارگری که خانوارش نفی دارد با ۴۰۰ هزار تومان چهارمتر است و بکند کارگران اعتراض داشتند و همین دلیل تصمیم گرفته شده برای ناداری بود و پولی ندارند و اگر بگرم تا حقوق با معیار تدریجاً هم به ما پرداخت شود در این راه شمارهای کارگران کارگران داده میشدند. بعضی پرسیدند.
کارگران بگنایند - همه کار میگویند، دولت باید کار بدهد - بعضی ما رسدگی کند، کارگر بزرگ، زمختکند، دوشهر، توت پوپا از دست رفت، شما سرمایه را بفرغون و راست، می کند چون فقیران را، میفرود خین به چهار راه کارگر بزرگ، زمختکند، دوشهر، روشنگر، لدا گل، همه با هم برویم، جالوتی از این برویم، بلایک کارگران، با اینها بزرگان، با قدرتش روشنگر، بهره می کنیم جگر غوغو فلان،
در شان شهرداری و دفاتر اطراف ادارا گاهای آدم میدوند، آنها میکنند که "شما نباید نیکه خوش نشین بد بلند شده بد مشهور میخواند حق کارگر شهری را بگیرد" و این ترتیب می خواستند بین کارگر و ستانی کارگر شهری اختلاف پیدا کنند، ما سوال کردیم مگر انقلاب شده؟ جواب دادند چرا، گفتیم خوب، باین ترتیب دولت موظف است که حق کارگر را چه روستایی و چه شهری بدهد، می بایست زمین های ذخایر را از دست زمینداران بیرون آورده و بخوش نشین فائز گرداند تا با این ترتیب آن کارگرو ستانی هم بر شود به شهر آدمی پولی از جیب باغالی بخواهد.

سرمایه داران شراری توطنی چیستند

اخیراً سرمایه داران وابسته فراری، جهت هماهنگ نمودن مقاصد ضد انقلابی خود در مورد کارخانه ها و سرمایه ها - بی که در ایران دارند، در ریاض جلسه ای ترتیب میدهند. در این جلسه سرمایه داران جایگزینی از قبیل علی رضاشی، خبای، ارجمند و... شرکت داشته اند.
در همین رابطه یکی از همین سرمایه داران فراری، از مدبران کارخانه اش در ایران، در ریاض گفت که ما دست کفایت کمپانیهای را که به ایران مواد اولیه وارد می کنند، برای پیش فرستاد میشود. تا از طریق بند بست با کمپانیهای ذی ربط جلو ورود مواد اولیه را گرفته و بالا اقل قیمت های آن را افزایش دهند. اینکه در سال جاری قیمت مواد اولیه بیش از ۵٪ - بود چه کارخانه ها را به خود تخصیص میدهند، گویای همین امر است.

خبرهای از اهواز

نیروگاه راجین در ۳۰ کیلومتری اهواز بین مسجد سلیمان و اهواز قرار دارد. این نیروگاه بزرگ شامل ۴ واحد میباشد که بوسیله پیمانکار روسی ساخته میشود. کارفرمای اصلی آن هم روس است بنام مهندس زیتسکی - از روز شنبه ۵۸/۲/۲۲ حدود ۷۰۰ کارگر دست با احتساب زد هاند. خواستههای آنها در حد افزایش حقوق، مدت مرخصی سالانه و حق اولاد میباشد. شنبه شب را این کارگران در نیروگاه گذراندند و هیچکس را هم بداخل نیروگاه راه نمیدهند. مثلا یکشنبه ۵۸/۲/۲۳ مهندسین و تکنیسینهای توانورا به نیروگاه راه ندادند. فرمندان را هم یکشنبه با آنجا رفته است ولی هیچگونه نتیجه عملی گرفته نشده است.
مهندس زیتسکی هم در این روز به نیروگاه رفت و رفتار بدی با کارگران داشته است (همانطوری که از یک زمینپوش انتظار میرود). کارگران تصمیم دارند یکشنبه بطرف استان آری راهپیمایی کنند.

من یک کارگرم!

برای حکم کردن صنوف انتقوب برگزیده و فرود ریزی فائز ستمارانشانم
تا مدای که اکنون پیش روی شماست، توسط یکی از کارگران قهرمان ذوب آهن اصفهان نوشته شده و سپس توسط دانشجویان مبارز طرفدار آزادی طبقه کارگر، تکثیر و در سطح محدودی پخش شده است. با توجه به منویات آن و روح انقلابی که از کلمه به کلمه متن نامه تجلی یافته است، درج نام و نام خانوادگی آن نویسنده می دانیم.
روسا مکتوم دانشجویای اصفهانی دانشکده علوم و صنعت راه، طاق را افتخار میکنم و از سرک تری نسی دارم! جاسم را فدای مبارزان واقعی میهنم خواهم نمود! اخرا گروهی که خود را دانشجویان مسلمان اصفهانی دانشکده علم و صنعت معرفی کرده اند مطالبی دور از حقیقت و تحریف است در مورد حوادث اصفهان انتخاب داده اند و احساسات مذمبی مردم سو استفاده نمایند. اینها می کرده اند با یک تیر دو نشان در مورد حقیقت کردن مهندسان، تکنسینها و کارگران مبارز ذوب آهن و دیگری بدنام کردن فدائیان خلق و گروههای انقلابی دیگر از حاشیای کرده اند با یک تیر دو نشان در مورد حقیقت آغاز مکتوم که هیچ کس از واقعت آن اطلاع نداشت و وادیو و تلویزیون و سائوری و دورنبرد از اصفهان نسیاری و سده گروهی از دانشجویان اصفهانی علم و صنعت دست دست داده اند تا بحال واهی خود منهن برستان و وانطوف - در حساب آورند، که این مسئله در اعلامیه ها نشان مکتوم شد. اما واقعیت را فقط ما کارگران ذوب آهن و ساکنین بولاد شهر می توانیم بگوئیم که آن دانشجویان مسلمان ناشی که از فاصله ۵۰ کیلومتری به دروغ بردازی دست میزدند.

مهندس رحمانی یکی از معدود مهندسان مبارز انقلابی ذوب آهن بود که با توجه به عقایدش یعنی اعتقاد به انقلابی ترین طبقه یون کارگران از مدت پیش زیر نظر بود. و سرانجام در تاریخ ۵۸/۲/۸ چند نفر ملح از طبقه کارگران از سوی کمیته امام اصفهان جهت تمدد دستگیری بنا بریده و منزلت محله و زمینش و ابتدای ملح به بناهای به او مراجعه میکنند. وقتی مهندس رحمانی متوجه خطر میشود در آن روز خود می بندد که با شلیک زن ملح مواجه میشود و تیر شلیک شده به کتف مهندس رحمانی اصابت میکند. از سوی دیگر ما موران دیگر کمیته به تصور اینکه تیر شلیک شده از سوی مهندس رحمانی بوده اقدام به تیراندازی میکنند که در نتیجه چند گلوله به زن ملح اصابت میکند و موجب کشته شدن او میشود. در آن میان برادرشور این زن سوی او می شناید که او هم مورد اصابت گلوله، با واکنش قرار میگردد همزمان با این حادثه چند نفر از دیگر مهندسان، تکنسینها و کارگران نشان خفته شده در منزل و محل کارشان دستگیر میشوند و سپس آقایان دانشجویان از فاصله ۵۰ کیلومتری افراد دستگیر شده را توسط گر می نامند. اما حقیقت را هرجه خواهند وارونه جلوه دهند سرانجام خود را رسوا خواهند کرد. زیرا که با تحقیق و بررسی دادگاه انقلاب و مقامات صالح، بی گناهی مهندس رحمانی و سایر دستگیرندگان به شسوت رسد و نامیردگان تیریه آزاد گردیدند و معلوم شد که تنها توسط گروموندت سلک دستهای نامرئی خدا انقلاب بود که بر علیه انسان توطنی می چید.
حادثه دیگری در اطاق ذوب دانشجو در اصفهان اتفاق افتاد. دانشجویان، مدیرهنگام خنثی نمودن بمبی که در زمان رژیم سابق ساخته شده بود دچار حادثه شدند. نکته قابل توجه آن است که سبب هنگام خنثی شدن در منزل دانشجو نیز همان بود که در روزهای اخیر در تهران فرستارای سید کردنه تا خاطر علاقه مندی دانشجویان میزور نسبت به سازمان چریکیهای فدائشی خلق نام این سازمان

" کارگردوب آهن "

داستان هفت خوان بنام وضع کارگران و بیاثر شدن اعضا

اعلامه ای با امضای هسته " وحدت کارگری - نوب - آهن، بنابر ۸۸ / ۲ / ۲۰ بخش شده است که در آن سه شکلات و دردی های کارگران نوب آهن اشاره شده است اعلامیه ابتدا هفت خوانی را که بنیانگر سدهایی است که در مقابل کارگران ایجاد میشود پر میشد که ما خلاصه آنرا در زیر ملاحظه می کنیم :

خوان اول : انتخاب مدیر جدید به نام " محمد علی تقی " که چون بگفته خیلی فرستاده امام بوده است کارگران با مدیر اینکه وی خادم کارگران باشد با او را قبول میکنند .
خوان دوم : مدیر جدید علاوه فشارهای قبلی را توسط همان عناصر مزدور قبلی ادامه میدهد
خوان سوم : هر ریز سر و گله گسانی چون بنی صدر و آیت الله طاهری و رفیقه پیدا میشود که به کارگران می گویند کار کنید ، کار کنید
خوان چهارم : بنای از گشته :

عده ای سبزه را که بعنوان کارآموزی به کارخانه آورده اند در یکی از روزهای یک کارگران برای احقاق حقوق خود انتصاب کرده بودند مسلح میشوند و آنها اطراف کارخانه را محاصره میکنند

خوان پنجم : امروز از این به بعد درخواستهایمان (..) ساعت در هر هفته ... دست شوی و حمام ... وسایل ... ایمنی و ... جز بیکاره مرغی در سال را نداریم ... سا واکی ها و مزدوران گذشته خودشان را به تنه معرفی کرده و کارت گرفته اند و باز کارگران را سرکوب میکنند . اگر قبلا شما میگفتند " اغلخرگ " حالا میگنند " کمنوسیت " .. آتشها نیکنانند که در اطراف کارخانه کسی نشربه کارگری بخورد .
خوان ششم : برای عده میخواستند شورتی را که ما بطور دستمان میزدیم نظارت بر سرسویت خود و خلقلان در دست کرده بودیم ... با استفاده از سادگی کارگران بهم زتندد ... آنها خواستند طومار جمع کنند و مهندسان قبلی را دپار با تحصیل کننده که چون با افساگری ما مواجه شدند کارشان را با استفاده از نام امام و اینکه باید حرف امام را - گوش کردند

خوان هفتم : کارگران اتحاد ، مبارزه ادامه دارد . ما کارگران که سالهای سال در زیر اختناق و فشار و در مقابل سر نیزه و گولچه مبارزه کردیم و شهید دادیم ، خلیسی چیزها یاد گرفتیم ، ما حالا میدانیم که حق گرفتاری است نه داری ، ما حالا میدانیم که اگر با هم متحد شویم چه نیروی بزرگی را تشکیل میدهیم . ما حالا میدانیم که آزادی کارگران فقط بدست خود کارگران میسر است و باید مبارزه را ادامه داد . ما دانسته ایم که هر زمانه ای که بخواهد ریزه خوار سفره دیگری باشد در میان ما جایی ندارد . در این مبارزه ما باید نه تنها خواستههای خود را مطرح کنیم بلکه باید بنگردیم کارگران نیز باشیم . ولی ما میدانیم که تنها شام اجرایی این خواستهها اتحاد ما کارگران ایران و مبارزه ما در کنار دیگر مبارزان است . خواستههای حداقل ما عبارتند از :

- ۱- استقلال برای ایران و شناخت حق حاکمیت برای خلق های مختلف ایران . (کرد ، ترک ، ترکمن ، بلوچ و غیره ...)
- ۲- ملی کردن سرمایه های امپریالیست و تکنشان در ایران .
- ۳- ضمیمه ارتش ، ادارات ، کارخانه های ، از افراد دزد و - ساواکی و ضبط اموال آنها برای کارگران بیکار .
- ۴- آزادی کامل عقیده ، بیان ، قلم و اجتماعات .
- ۵- قانونی شدن شوهرها و اتحادیه های کارگران و همسنگ طبقات و اعتراض اجتماع .
- ۶- نظارت کارگران بر امور اقتصادی و اداری کارخانه .
- ۷- جلوگیری از گرانی ، احتکار و سود جنون .
- ۸- تامین حداقل دستمزد برای یک زندگی راحت و شرابا - مندانه ، بالا بردن مزد کارگر به نسبت گران شدن اجناس .
- ۹- تغییر قانون کار با نظر کارگران ، بر داشتن جریمه ، - مرغی سالانه برابر با همه کارمندان دولت ، ۴۰ ساعت کار در هفته ، دوروز تعطیل در هفته ، کسر نکردن مالیات برداشت تمام حقوق و مزایا در مواقع بیماری و تا پایان مدت درمان و بهبودی کامل .
- ۱۰- مسکن مجانی ، درمان مجانی ، آموزش مجانی حرفه و سواد برای کارگران .
- ۱۱- آزد بودن اعتراض و قانونی بودن انتصاب .
- ۱۲- دخالت نکردن پلیس و ارتش و سازمانهای پلیسی (نظیر ساواک و ...) در کار کارگران ، دخالت نکردن دولت و کارفرمایان در امور داخلی کارگران .
- ۱۳- داشتن نمودن دست شوی ، حمام ، ریختن ، دستپوشان ، مهد کودک و محل اجتماع کارگری در کارخانه .
- ۱۴- دادن کفش و کلاه ایمنی و تامین کامل امنیت کار .
- ۱۵- ایجاد شرکتهای تعاونی کارگران .
- ۱۶- پرداخت بقیه حقوق .
- ۱۷- رسمی شدن کارگران بجهانی (با قراردادی یا هر نوع

چرا کارگران بیکار میشوند؟ *

برای کارگرانی که اخراج شده اند و ما در خطر اخراج شدن قرار دارند دانستن اینکه چرا کارگران را اخراج می کنند بسیار مهم است . در کشورهای سرمایه داری اخراج مسئله است که کارگر همیشه با آن روبروست این مسئله در این کشورها تصادفی نیست ، ایران هم یک کشور سرمایه - داری وابسته به خارجیان است و مهمترین علت های اخراج و بیکاری کارگران هم در کشورهای سرمایه داری برقرار زیر است :

۱- دستگاهها و ماشین آلات جدید و پیشرفته جا - نشین ماشین آلات قدیمی تر میشوند ، ماشین های اتومبیل تیک جدید کار بهیشتی را بطور سیرت انجام می دهند ولی تعداد کارگر کتری می خواهند . مثلا " پیروز ماشین های تاپ ، مکس بروری و حرف چینی جدید چاپ به ایران - عده زیادی از کارگران حرف چینی بیکار و اخراج شدند و بیکاری آنها را تهدید می کند .

در جامعه سرمایه داری روابط طور است که سود و منافع سرمایه دار بر همه چیز برتری دارد . ماشین آلات جدید که حاصل پیشرفت بشر هستند بجای اینکه باعث رفاه و آسایش بشوند باعث اخراج و بیکاری می شوند ، این مسئله در گذشته باعث شد صودر که کارگران که هنوز به اگاهی طبقاتی دست نیافته بودند ، علت بدبختی خود را ماشین آلات میدانستند و ماشین شکی یکی از مشکلات های مبارزه بود . این شکل مبارزه از روی ناگهانی صورت می گرفت و بعد ها کارگران - فهمیدند که ماشین ها عامل بدبختی کارگران نیستند ، بلکه طبقه سرمایه دار و وجود روابط سرمایه داری در جامعه - عامل رنج و استعمار آنهاست . کارگران رفته رفته آگاهی تر شدند و به نیروی که در اتحادشان بود پی بردند و مبارزه ات آگاهانه تر و متشکل تری بر ضد سرمایه داران کردند و پیروزیهایی زیادی نیز بدست آوردند .

۲- سرمایه داران ، برای بدست آوردن سود کلا تولید می کنند . وقتی کلا مورد نیاز بازار است ، سرمایه داران دست به تولید می زنند ولی چون معلوم نیست که بازار چقدر احتیاج دارد ، تولید آن حساب و کتابی ندارد . مثلا " اسال که نفت کم بود ، طرفه های پلاستیکی نفت ، فروش خوبی داشت و این کلا آفندر تولید شد که تمام بازار را پر کرد ، بطوری که در آخر بهیمن سواد قیمت آن پایین آمده و دیگر خریداری برای آن پیدا نمی - شد و یا مثلا " تلویزیون که بازار داغ فروش آن باعث شده که تولید کنندگان آن خیلی بیشتر از حد معمول دست به تولید آن بزنند تا جایی که در آینده بازار تلویزیون پر شود و دیگر برای آن خریداری نباشد . در جامعه سرمایه داری هرج و مرج در تولید کلا وجود دارد . گاهی سرمایه داران بازار خوب است و گاهی بد . پس کارخانه زمانی با تمام ظرفیت کاری کنند و کارگران مشغول بکارند و زمانی دیگر وضع بازار خوب نیست و کارگران اخراج می شوند . در جامعه سرمایه داری است که وقتی تولید زیاد شود بحران اقتصادی بوجود می آید . این از چیزهای علاج نشدنی جامعه سرمایه داری است یعنی بیکاری و اخراج ، گاه و بگاه بر اثر بحران تولید کلا ها وجود می آید . زیاد شدن تولید که باید در خدمت رفاه و سعادت جامعه باشد - عامل سبه روزی و فلاکت توده های مظیم کارگران می شود . در اثر هرج و مرج تولید ، کلا بهی از اندازه تولید میشود ، سرمایه دار کارها را می خونی تا کالا بی فروش برسد ، یعنی تعدادی از کارگران اخراج میشوند . این کارگران که اخراج می شوند خودشان از بازار خرید می کردند و حالا چون پولی در دست ندارند ، این خرید بهی از بهیسا محدود می شود و در نتیجه کالا های بهیشتی در بازار با د می کند و به اصطلاح بازار کساد می شود ، عده ای از سرمایه -

* نوشته حاضر بخشی است از مقاله ای تحت عنوان " گزارش از اجتماع کارگران گیلارد سیستان در شوشتر همایا توضیح ریشه بیکاری " که چندی قبل توسط " دفتر سیاسی طرفداران طبقه کارگر - مسجد سلیمان " انتشار یافته است .

داران که وضع مالی ضعیفتری دارند نیز ورشکست میشوند و در کارخانه هایشان را می بندند . بعضی از سرمایه داران دیگر هم که برای آنها مواد خام و لوازم مورد مصرف دیگر تولید می کردند و نیز سرمایه دارانی که کالا های مورد نیاز خود را از آنها می خریدند ، دچار درد سر می شوند و این درد سر زودتر از همه به کارگران منتقل می شود و باعث اخراج آنها می گردد .

۳- سومین دلیل اینکه کارگران در رژیم سرمایه داری همواره در معرض تهدید بنا خراج قرار دارند وجود توده عظیم بیکارانیست که در پشت درهای کارخانه ت با صف ایستاده - اند . در تمام کشورهای سرمایه داری ، یک گروه بزرگ بیکاران وجود دارند . بیکاری به سرمایه داران امکان می دهد دستمزدها را به حداقل کاهش دهند و جدا گانه بهره کشی از آنها بکنند . در ضمن بیکاری عاملی است که سرمایه داران برای ایجاد تفرقه و نفاق ق میان کارگران از آن استفاده می کنند . کارگران هیچوقت فراموش نمی کنند که رژیم شاه خاش برای شکستن دستمزدها و افزایش تعداد بیکاران - بهیشتی از صد هزار کارگر خارجی چه کارگر ساده مثل کارگر - ان افغانی وجه تخصصی مثل کارگران فیلمبندی و کوه را وارد ایران کرده بود . سرمایه داران سعی می کنند که بین کارگران بیکار و آنها که سر کارند رقابت بوجود بیاورند تا هم از وحدت آنها جلوگیری کنند و هم کارگران شغول به کار را به سکوت و رقابت شرایط سخت کار وادار نما یاند . از طرفی بعد از اصلاحات ارضی قلابی و آیکی شاهخان ، عده زیادی از کشاورزان بیکار شده و برای پیدا کردن کار به شهرهای صنعتی و کارخانه ها هجوم آوردند و در پشت در کارخانه - نجات در صف های طولانی به انتظار ایستادند .

بیکاری لازمه رژیم سرمایه داری است و تا وقتی که این رژیم حاکم است ، بیکاری از بین نخواهد رفت . وجود تعداد زیاد بیکاران به سرمایه داران امکان می دهد هر گاه بهر دلیلی از کارگری خوششان نیاید ، بلافاصله او را اخراج کنند چون می دانند افرادی هستند ، می توانند حسابی کارگران اخراجی را برکنند ، سرمایه داران بخصوص از کار - گران آگاه و بهیشتی ، از کارگرانی که مبارزه جو هستند و برای اتحاد کارگران تلاش می کنند و نیز با رنی روند ، شدیدا - دلخورد و کینه دارند باین جهت دائما " توسط جاسوسان خود در جستجوی این کارگران آگاه و بهیشتی هستند تا آنها را شناسایی کرده و اخراج نمایند .

۴- در کشورهای مثل ایران ک سرمایه داری وابسته اند ، علاوه بر مسائل بالا مشکلات و بحرانهای کشورهای دیگر ، سرمایه داری ، آمریکا و اروپا و ژاپن نیز به ایران منتقل می - شود و هر بحران در آن کشورهای شکلاتی را برای کارگران ما بهار می آورد ، مثلا " انتصاب کارگران کارخانه کراپسلا رنگسان که تولید کننده میوز پیگان است می رفت کمیته طبیل کارخانه ایران - ناسیونال و بیکاری کارگران آن منجر شود . همانطوریکه در بالا دیدمش در جامعه سرمایه داری بیکاری از بجا - راییای علاج ناپذیر بر است . و تا رژیم سرمایه داری است بیکاری نیز وجود دارد . ولی بیکاری در جامعه ایران علاوه بر دلایل بالا ، دلایل دیگری نیز دارد .

در مبارزات یکساله اخیر ، بر اثر امتضات و فرار سرمایه ها و سرمایه داران و بلا تکلیفی بی شمس ، امور اقتصادی دچار کندی و ناپسامانی شد . سرمایه داران سعی کردند فشاری را که به آنها وارد می - شود بلافاصله به کارگران منتقل نمایند . اولین کار آنها این بود که از پرداخت حقوق کارگران خودداری کنند . طی چند ماه اخیر تعداد کارگرانی که پرداخت حقوقشان قطع شده است به ۳ میلیون می رسد . سپس مسئله اخراج دستجمعی کارگران و بستن کارخانه ها پیش آمد . بسیاری از کارخانه ها تعطیل و کارگران آن اخراج شدند و بسیاری دیگر از تعداد افراد مشغول بکار کاسته شد .

پیشبرد انقلاب نقش بسزائی داشتیم نتشبا در اوضاع واحوال فعلی فراموش شده ، بلکه هر نوع فریاد حق طلبان ما باشد سرکوب و ارزش انسانی ما مورد اهانت و بیحرمتی قرار گرفته است ...

چه کسانی توسط می کنند؟؟ و آنها تن در ندان به شرایط و قوانین شد کارگری که از سوی سرمایه داران و کار - فرمان اعمال می گردد ، توسط است ۴۴۴ آنها زمینکشان ضد انقلابی اند ۴۴ بئند شمیم که در این رابطه مناسف و جاویدگیهای چه کسانی در خطر است ۴۴۴ آنها تبلیغاست سو" علیه ما کارگران پرزویه از جانب این عوامل مرتجع که همانا قدرتمندان رژیم سابق اند می توانند درست باشد ۴۴

کارگران برنده ای آبادان و حومه سخن میگویند

در اثر مجاهدت و فد آگاهیهای قهرمانانه کارگران و زحمتکشان و دیگر اقشار جامعه ، نظام جنسی محمد رضا شاه به ناله انی تاریخ سپرده شد ، ما کارگران پرزویه ای بخش مهمی از نیروی سازنده اقتصاد این میز و بوم هستیم و در امر

بعد از توافق ما بین ایران و عراق در سال ۱۹۷۵ ما هیت ارتجاعی غاشنه و وابسته به امپریالیسم در دسته ملامطی بارزانی برای ناآگاهان نیز بر سر برداشت ملامطی دیگر قادر نبود خود را بعنوان رهبر ملی کردهای عراق جا بزند. روابط او با شاه ایران ، اسرائیل و آمریکا افشا شده بود در چنین حالتی ملامطی بعنوان رهبر کردستان عراق دیگر کار اعلائی نبود. از طرف دیگر بی عملی هم شیوه درست و مفوقی برای امپریالیست ها و بیوزیه امپریالیسم امریکایی نتوانست باشد. آنها نمیخواستند که جنبش کردمجدداً و این بار در کل کشور عراق نشاط آید. ولی ما میفهمیم میل آنها مبرازین کرد بتدریج ارگان خود را در اتحادیه مبین کردستان با زمامتند. و این خوشایند امپریالیست ها و مرجعین بومی نبود. آنها با زمامتند و میخواستند که سرکش در دست خودشان باشد تا هسر وقت که آماده کردند از آن بهره برداری کنند. در مواقع بسیار خاص توسط آن به جنبش خلق کرد عراق فربات کاری بزنند. درست مانند زمانیکه توافق ما بین ایران و عراق امضاء شد. امپریالیسم امریکایی دست به کار شد و سازمان جابوسی " سیا " با همکاری " ساواک " میت " ترکیه " و " موساد " اسرائیل ، با مطلع سازمان " قبادیه " (رهبری موقت) را برهبری ملامطی بارزانی ، تاسیس نمودند. اولین جلسه " قبادیه " در سال ۵۶ در کرج تشکیل شد. " قبادیه " در آغاز فعالیت خود را تحت نام " پیشمهرگه ای " و بدون اینکه وابستگی خود را به ملامطی بارزانی عنوان بکند ، در منطقه " همدانه " عراق شروع کرد ، و پس از چندی به شکار میهن پرستان کرد پرداخت .

در زمان شاه جلال ، فعالیت " قبادیه " بیشتر در نواحی مرزی کردستان ترکیه ، ایران و عراق صورت می گرفت. و پس از اینکه شاه غاشن توسط خلقهای دلا و ایران سرنگون شد ، از آنجا که جابوسی می دانستند بزودی ایران از وجود کثیفان پاک می شود. شروع به ارسال نامه به شخصیت های ملی و مذهبی نمودند. " پیشمطی " خود را از انقلاب ایران اعلام داشتند و خود را مهاجرین سیاسی ای نامیدند که از دست فاشیست های بعثتی عراق با ایران گریخته اند و اینکه بهیچ وجه جای نگرانی و اضطراب خاطر برای ایران نیست. اسما از آنجا که ما هیت مرجع ما ندرمی این را برای خلق شتم - دیده کرد ایران روشن بود دست فاشی های هرچه بیشتر این داروسته مزدور دوند. " قبادیه " موقت که اکنون دیگر تحت رهبری دولت از فرزندان ملامطی بنا همای " ادریس " و " مسعود " فعالیت میکرد در کلیه نطق هرات و میهنیگی های که از طرف کردهای ایران صورت میگرفت محکوم میشد. و مردم خواستار اخراج این مزدوران از ایران میشدند. خواسته ای خلق کرد در شعار های چون " دارو دست قبادیه - ره نچی کور دی به با دا " (دار و دست قبادیه - رنج خلق کرد را هدر دادند) ، " کسی بولیمتی کوشت ، کی بوسکوی راوی کوشت ، کی بودکوشی کوشت " قبادیه بو ، قبادیه - داروسته قبادیه " (کی بود لیمیان (مبینی) را کشت - کی بود سگسوی (شریف زاده) جوان را کشت - کی بود دکتر توان (از مبرازین کرد ترکیه) را کشت - قبادیه بود ، قبادیه - داروسته قبادیه) ، شنس می شدند. اما " دولت انقلاب بی موقت " نه تنها قاطعانه به مقابله با " قبادیه " اقدام نکرد و به خواست توده های زحمتکش کرد پاسخ مثبت نداد بلکه با ساز کاری و ترسیمی که از خود نشان داد و حتی برخی همکاری ها و همکاری با " قبادیه " " قبادیه " موقت را جری ساخت. بطوریکه امروزه " قبادیه " با کمک فئودال های مرجع ، و مزدوران رژیم پیشین که هنوز بسیاری از سمت های دولتی را در دست دارند به نطقه و همت بر علیه مردم کردستان ایران و مآلا بر علیه کلیه خلقهای ایران شدت و حدت بیما فهای بخشیده است. " قبادیه " اکنون به شناسائی ، قتل و غسارت مبرازین و میهن پرستان کرد پرداخته است. و به هر کس که بخواد به ما کمک کمینست دزد بورش مبرود . مقرر اصلی " قبادیه " اکنون در " فرمی " قرار دارد ، زمانیکه رژیم شاه قدرت را در دست داشت چه از لحاظ همتا و چه از نظر آدوقه ... " قبادیه " را تا نهمین میگرد. ولی اکنون " قبادیه " با گرفتن باج از مردم و از نمانمیی

تا معلوم از نظر مالی تا نهمین میشود. و با زدهیدن تقریباً تمامی سلاهی که با پایگاه منطقه به مقدار زیادی اسلحه دست یافته اند. برای روشن شدن بیشتر چهره این دارو دسته ارتجاعی در زیر به باره ای از اقدامات جناح پیکاران ما مهای

قیاده موقت را بشناسیم

اخیر " قبادیه " اشاره میکنیم :
۱ - مفروب و مروج نمودن در نفر معلم با ساسی عدالله نژدینان و همایون گدا زگر در " وله زبیر " به تاریخ ۷/۱۳/۵۷ و مفروب و مروج نمودن در رشید نوروزی - پس از با زوسی خانه او - در آبادی " گور - گدای " به تاریخ ۱۹/۱۹/۵۸ ، بطوریکه تا مبریده بستر ی میشود.
۲ - خلق صلاح " اتحادیه دهقانان مبروان و پوزا میان " در دهات " چور " ، " ننه " ، " چلاکا " ، - سه ژشمارا " و فریب و جرح و دو دهقان از آبادیهای " گور - گدای " و " آلتانه " .
۳ - ضبط کتابهای یک معلم در آبادی " سه ژشمارا " که با وا کشت سخت مردم روبرو میشو د و سه فریب مجبور میگردد میگردند .
۴ - کار رفتنی و اغلال در هنگامیکه روستا ثیبان مشغول جمع آوری کمک برای مردم سندج که مواجه با هجوم ارتش " ملی " شده بودند .
۵ - ایجاد رعب و وحیت در برخی از دهات و از جمله " سول آباد " .
۶ - ارتباط با کردهای مرجع عراق و همکاری با آنها در ایجاد بلوا ، آشوب و غارت ، مثلاً " ناله میو میو " رهبر شاخه نظامی " قبادیه " در مبروان ، با رئیس جاشها و در " همدانه " (شهری در کردستان عراق) بنام " رشئ صالح " در دزمه رابطه بر قرار نمسوده و " رشئ صالح " قبول کرده است که زخمی های " قبادیه " را در " سی ساق " و " همدانه " عراق معالجه کنند .
۷ - رهبر فرقه پنج (منشی) کرکوک زخمی را سه نام " سامی " (افسر فد اطلاعات) ما مور کرد شما مقدار ۱۱ هزار دینار عراقی را بین " قبادیه " ، ساوکی های فراری و بعثی ها تقسیم کند .
۸ - غدوره بخری " اهل پنچون " (شهری در کردستان عراق) ، که با رابطه محمودی (معاون ساواک و بانه) و بزگرگی (معاون ساواک مبروان) است عده ای از ساواکی های فراری را از پنچون به کرکوک برده است . این فرد همچنین رابطه بین " قبادیه " و " خاله هورامی " می باشد .
۹ - در حال حاضر لیستی از طرف " قبادیه " بسواری تسقیب و مجازات افراد مبارز منطقه تهیه شده و به همین

(ه) - کره - خر - مزدور

جهت بسواری از مظلمین روستا های مبروان از خوف دارند که بروسن های محل کار خود بروند .
۱۰ - مزدوران " قبادیه " در تاریخ ۸۸/۲/۶ ، آبادیهای " قبادیه موقت " با جنگ ساواک ، میت کشی و موساد اسرائیل ، و با پیکار ملامطی تاسیس گشت
۱۱ - قیاده موقت با تمرکز نیست ، میمن پرستان را میگرد میکند دولت موقت بجای سرگوب قیاده با آن سازش نشان داده است

" چور " و " ننه " را محاربه و اهالی راجع ملامطی کردند .
۱۱ - مزدوران " قبادیه " هنگامیکه اتحادیه دهقانان مبروان به روستا ثیبان آواره " بیا دوست " در رفا شده که توسط اربابان جناح پیکار آواره شده اند ، با ارسال پنج خودروی آذوقه ، کمک میکنند ، با آنها حمله کرده ، خودرو ها را توقیف کرده ، تحویل کمیته مضیاده میدهند .
۱۲ - " قبادیه " موقت با سوبهدیا لیریا و سا واکتیا و فراری در منطقه و سردار ارجاف (سردار راجع الموم) رابطه دارد ، و از سازمان امنیت عراق کمک ما می بگیرد .

اینها بود نمونه های از کارها و اقدامات " قبادیه " در منطقه . حال به برخی ارتباطها و وابستگی " قبادیه " با شخصیت های مرجع در کردستان ایران و بزرگ فئودالها ... توجه کنید :
۱ - در سفر ملاطلال شامی بطور غشی از " قبادیه " و محمد صدیق خان سرگنده اربابان غونخوا در منطقه پیشمطی نسی میکند و برای آنها با کمک امام جمعه " شورا سلطه فرساده است .
۲ - " هه زار " رهبر شاخه سیاسی قسمت " قبادیه " ، در کمیته مضیاده دیده شده است .
۳ - " مکتب قرآن " مبروان که عمدتاً اربابان وسا - واکیهای و پیشین شکل یافته ، در میان شماره دوم بنمین اسلامی و فرهنگیان مبروان ، در تاریخ ۱۹/۲۱/۵۸ ، علناً از " قبادیه " حمایت میکنند .
ترکیب " مکتب قرآن " مبروان ، چنین است : ۱ - ملا ابراهیم مردوخی : جابوسی بعثتی های عراقی در " تیاره " و عامل ساواک که ایلر اصحاب زبندوراری " سولاوا " گرفته است .
۲ - محمد دانشور : رابطه " مکتب قرآن " و " قبادیه " در مرجعی که خرابکارش در جریان تحمین دهقانان " سبیلو " در مبروان معروف خاص و عام است .
۳ - دوبرا در بنای فاج و رحمان محیدری ویدران که عمده فعالیتها بنای بر علیه کمونیست های مبروان میباشد . در میان بدنبند گندهای از مجموع حزب دمکرات کردستان در مفا بل " قبادیه موقت " را نیز مشاهده کنید :
در میهنیگی که برای تصفین بارزانی مزدور مورت گرفت ، یکی از کاردهای حزب دمکرات کردستان به اداره " دسته " " قبادیه " حمله میکنند ، ولی دکتر پاسلو رسامی گوید : " این نظرفشما نامبرده میباشد ، نظر حزب غیر از این است "

رنوف خان شاه پرست " و " محمد صدیق خان جاف " غارتگر و جانبا ن شهر است.
۴ - اسماعیل آقا عباس فرزند محمد عباسی سناتور انتصابی (چند دوره شوالی) و سرسیرده خاندان پهلوی .
۵ - آتای قهری از مغزترین خاندانی منطقه *
۶ - حاج طالب احمدی " دوست صمیمی آتای پهلوی رئیس ساواک سقز ، آتای ترکیب این چنین شناخته شده جز ایجاد یک نیروی تجار و کز حقوق دهقانان ستمدیده و احیا " دپاره استبداد و ارتجاع عظیم دیگری می تواند داشته باشد ؟
اینان که چیزی خواری و تگری جز " خصلت طبقاتی تان میباشد تصمیم می گیرند از روز ۸۸/۲/۶ به بهانه انتاج دتر شورا در شهر سقز با ایجاد راه پیمایی دست بیک مانور نظامی از تنگگی چی های اجیر شده خود به منظور قدرت نمای و آزادی بخش توانای بخش در جهت تحقق بخشیدن اهداف تولید شان بزنند تا این بار چیزی خوار چه قدرتی باشند ؟ که با هوشتاری انقلابی مردم سقز خنش میگردد . دوری این تا کالی مردم سقز را تهدید به دادن درس میریز پس از پایان حوادث نقه می نمایند (آیا ارتجاع و یادی امپریالیسم اینبار سقز و بانه را بسواری ایجاد حوادث نظیر آنچه در سندنج و نقه شاهدش بودیم و هستیم برگزیده است ؟
ما از تاعی مردم ایران و دولت و کلیه نیروهای شرقی و دکواتیک می خواهیم که آگاه و هوشتار باشند مردم مبارز و زحمتکش آن سامان را در جهت سرکشی این خاندان و آلت دست ارتجاع و امپریالیسم پاری دهند . و اجازه ندهند بار دیگر نقطه آغاز ایستادن عزیز قربانی توپله های خزین و پرتگنده ای معلم الحال گردیده و خون برادران و زن و کودک بیگانه ریخته شود *
عهده ای از دانشجویان کرد مقیم مرکز
۵۸/۲/۶

خانهای رنج در سقز توپله ای دیگرند .

اخیرا حدود ۲۰۰ تن از اربابان مرجع منطقه سقز ، بزگان بانه - با گرد همائی های مکرر در فکر تاسیس شورای هشایی و ایجاد یک پایگاه دیگر برای ارتجاع و یادی آنها در جهت سرکشی نیروها و جنبشهای شرقی و روستائیان آزاد بخواد - دیگر طبقات آن سامان میباشد .
برهه روشن است که خانها و فئودالها طبق خصلت طبقاتی خود اصولاً طبقه ای استثمارگر ، خونخوار و چماق دست امپریالیست ها در جهت حاکم بر خلقهای ستمدیده جهانند اینان به پشتگرمی و اتکا به بعضی از عوامل و نیروهای ارتجاعی منطقه در تاریخ ۸۸/۱/۲۰ در روستای " گوه ای " و در تاریخ ۸۸/۱/۲۷ در روستای " سرا " از توابع سقز طی تشکیل جلساتی تصمیم به تشکیل جنبش شورا ای گرفته اند و هدف خود را سرکشی هر جنبه های در جهت تهدید منافع آنان که با استثمار و تجاوز به دهقانان زحمتکش تا نهمین میگردد ، تعیین کرده اند .
بانیان این توپله ضد خلقی و این اقدام از پیش حساب شده عبارتند از :
۱ - ترسیدن خان کما خسروی : از فئودالهای جبار و از خدمت گزاران رژیم سابق .
۲ - " خلیل ملکی " که تاستان ۵۷ ، ۹۱ خانوار از روستای " رحیم کوزاک " از توابع سقز را از خانه و کاشانه خسود رانده و آواره شهرها نموده است .
۳ - ؟ فیروزخان دستگیر که از خوشایندان نزدیک محمد